دوشنبه
۲ آذر ماه ۱۴۰۵
۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۳ نوامبر ۲۰۲۶

سال سوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۹۷

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

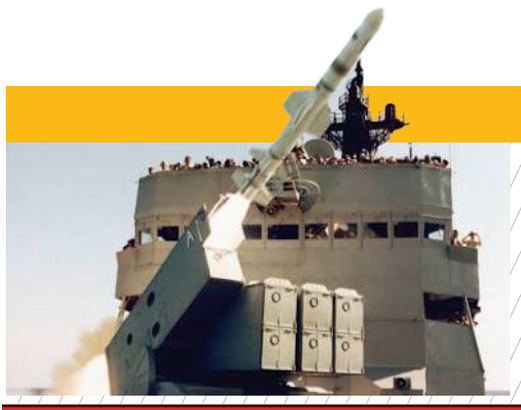
آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

آمریکا زمانی پای میز مذاکره می‌آید که ضربات کاری نظامی دریافت کند

«ضربه نخست» جایگزین «بن بست دیپلماسی»

۳



روایت استواری مادران شهدا در سالروز وفات حضرت ام‌البنین (س)

مادران ام‌البنینی ایـــران

۴

حاشیه‌سازی‌ها و بگومگوهای نمایندگان به نفع چه کسانی تمام می‌شود؟

روز تلخ بهارستان

۲

این غذای پرمصرف دانشجویی هم برای چندمین بار گران شد

ماکارونی بالاخره چند؟

۶



بازخوانی گفت‌وگوی اختصاصی روزنامه «آگاه» با استاد مهدی گلشنی به بهانه درگذشت این فیزیکدان و اندیشمند فقید

فیلسوف فرهنگ و هویت

۵

شلوغ‌بازی، گران‌ترین هزینه ملت



مجتبی مشهدی محمد
دبیر گروه فرهنگ

در جامعه‌ای که صدای تبلیغات بلندتر از عمل باشد، مردم به‌تدریج به هیچ وعده‌ای اعتماد نمی‌کنند و این، تشخیصی است که امروز کمتر کسی آن را انکار می‌کند. در سال‌های اخیر، با افزایش هزینه‌ها و سبک‌تر شدن سبد خرید خانوارها، حساسیت مردم به قیمت و کیفیت بیش از پیش شده است و همین حساسیت، میدان بازی نوعی خاص را فراهم کرده است؛ کسانی که به جای بهتر کردن کالا و خدمات، فقط بلندتر حرف می‌زنند. شلوغ‌بازی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد که جلب توجه با حجم هیاهو، بی‌آنکه در عمل پشتوانه‌ای در کار باشد.

بسیاری از ما این تجربه را داشته‌ایم؛ تخفیفی که «۵۰ درصد» اعلام می‌شود، اما قیمت اصلی پیش از آن بالا برده شده است؛ جشنواره‌ای که «حراج» نام گرفته و در عمل چند درصد تخفیف واقعی ندارد؛ کد تخفیفی که با شرط‌های ریز قلم‌گیری می‌شود؛ آگهی «قیمت توافقی» که بیشتر پوششی است برای پنهان کردن قیمت واقعی؛ عکسی که کالا را زیباتر از واقعیت نشان می‌دهد و کالایی که به دست می‌رسد، با آنچه سفارش دادیم فاصله دارد. در حوزه وعده‌های عمومی هم ماجرا تکرار می‌شود؛ طرح‌هایی که با شعار بزرگ آغاز می‌شوند، اما نه زمان‌بندی روشن دارند، نه مسئول مشخص، نه معیار سنجش نتیجه؛ پیش‌فروش‌هایی که تاریخ تحویل و شرایط فسخ در آنها شفاف نیست و وعده سودهای غیرعادی در برخی طرح‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های هرمی که در نهایت به ضرر خانوارها تمام می‌شود. نکته مهم این است که همه اینها با تبلیغ اشتباه گرفته می‌شوند؛ تبلیغ در اصل اطلاع‌رسانی است، اما وقتی اطلاع‌رسانی به فریب تبدیل شود، دیگر تبلیغ نیست.

مردم وقتی می‌بینند تخفیف اعلام‌شده واقعی نیست، فقط از یک فروشگاه سرخورده نمی‌شوند؛ نسبت به کل نظام تبلیغات و وعده‌ها بدبین می‌شوند. وقتی وعده‌ای با زبان پرطمطراق داده می‌شود و بعد نه زمان‌بندی روشن دارد، نه پاسخگویی، نه نتیجه قابل مشاهده، اعتماد عمومی فرسوده می‌شود. نتیجه این می‌شود که حتی وعده‌های درست و کارهای واقعی هم زیر سایه بدبینی عمومی دیده نمی‌شوند. این بزرگ‌ترین زیان شلوغ‌بازی است؛ کارهای خوب را هم بی‌اثر می‌کند. بی‌اعتمادی گران‌ترین هزینه‌ای است که یک جامعه می‌پردازد؛ چون دیر به دست می‌آید و زود از دست می‌رود. اعتماد، سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که سال‌ها ساخته می‌شود و با یک وعده بی‌پشتوانه ترک برمی‌دارد.

دین و قانون ما نیز بر راست‌گویی، وفای به عهد و پرهیز از فریب تاکید دارند. در فرهنگ بازار ایران نیز اعتبار همیشه بالاتر از سود لحظه‌ای بوده است؛ تاجر قدیم می‌دانست که «آبرو» را با مال نمی‌توان خرید، مشتری که یک بار فریب خورد دیگر برنمی‌گردد و چند نفر دیگر را هم با خود می‌برد. امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر نیز به رسیدگی به کار بازاریان و پرهیز از اجحاف سفارش می‌دهد. این، سنت کهنی است که امروز بیش از هر زمان به آن نیاز داریم.

اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم‌تر و امیدوارتر داشته باشیم، باید از فرهنگ «شلوغ‌بازی» فاصله بگیریم و به فرهنگ «نتیجه‌محوری» نزدیک شویم. وعده‌ای که عملی نشود، تخفیفی که واقعی نباشد و تبلیغی که فقط هیاهو باشد، در نهایت به بی‌اعتمادی می‌رسد و بی‌اعتمادی، گران‌ترین هزینه‌ای است که یک جامعه می‌پردازد. راه برون‌رفت، نه سکوت در برابر فریب است و نه سیاه‌نمایی؛ بلکه راست‌گویی، پاسخگویی و عمل به وعده است.

بهره‌وری نزدیک به صفر، مانعی در مسیر رشد اقتصادی است

حلقه مفقوده رشد اقتصادی

در دهه‌های اخیر، مفهوم بهره‌وری به یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های تحلیل رشد اقتصادی در جهان تبدیل شده است. بسیاری از کشورها دریافته‌اند که تداوم رشد اقتصادی صرفا از مسیر افزایش نهاده‌هایی مانند سرمایه و نیروی کار امکان‌پذیر نیست و بدون ارتقای بهره‌وری، رشد اقتصادی یا متوقف می‌شود یا با هزینه‌های سنگین اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی همراه خواهد بود. در این چارچوب، توجه به بهره‌وری نه‌تنها یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای اقتصادهایی است که به دنبال رشد پایدار و بلندمدت هستند.

بهره‌وری به‌طور ساده به معنای استفاده بهینه از منابع محدود برای تولید حداکثر است. این مفهوم می‌تواند در سطوح مختلفی همچون بهره‌وری نیروی کار، بهره‌وری سرمایه و بهره‌وری کل عوامل تولید بررسی شود. در سطح کلان، بهره‌وری نشان می‌دهد که یک اقتصاد تا چه اندازه قادر است با منابع موجود، ارزش افزوده بیشتری خلق کند. تجربه کشورهای توسعه‌یافته و حتی بسیاری از اقتصادهای نوظهور نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از رشد اقتصادی آنها ناشی از افزایش بهره‌وری بوده است، نه صرفا افزایش تعداد نیروی کار یا حجم سرمایه‌گذاری.

در اقتصاد ایران، موضوع بهره‌وری همواره مورد توجه اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه بوده، اما در عمل، فاصله معناداری میان اهداف و نتایج حاصل‌شده وجود داشته است. رشد اقتصادی کشور در دهه‌های گذشته عمدتا متکی بر افزایش درآمدهای نفتی، گسترش هزینه‌های دولت و سرمایه‌گذاری‌های گسترده، اما کم‌بازده بوده است. این الگو اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند رشد ایجاد کند، اما در بلندمدت منجر به کاهش کارایی، اتلاف منابع و آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های بیرونی می‌شود.

یکی از مهم‌ترین دلایل توجه مجدد به بهره‌وری در سال‌های اخیر، محدودیت‌های جدی اقتصاد ایران در حوزه سرمایه‌گذاری و منابع مالی است. تحریم‌های اقتصادی، کاهش دسترسی به سرمایه خارجی، محدودیت منابع بودجه‌ای دولت و فشارهای تورمی، همگی نشان می‌دهند که امکان تکیه صرف بر افزایش سرمایه‌گذاری برای تحقق رشد اقتصادی بالا وجود ندارد. در چنین شرایطی، افزایش بهره‌وری تنها مسیر کم‌هزینه و پایدار برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران با درک این واقعیت، جایگاه ویژه‌ای برای بهره‌وری در نظر گرفته است. در این برنامه، هدف‌گذاری رشد اقتصادی هشت درصدی به‌عنوان یکی از اهداف کلان مطرح شده است؛ هدفی کم و بیش بلندپروازانه که تحقق آن بدون اتکا به بهره‌وری عملا غیرممکن است. بر همین اساس، قانون برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی کرده است که ۲.۸ درصد از رشد اقتصادی هشت درصدی باید از محل افزایش بهره‌وری تامین شود. این سهم نشان‌دهنده آن است که بیش از یک سوم رشد مورد انتظار اقتصاد، نه از طریق افزایش نهاده‌ها، بلکه از طریق بهبود کارایی و اثربخشی عوامل تولید باید محقق شود.

تعیین سهم ۲.۸ درصدی بهره‌وری در رشد اقتصادی، از منظر نظری و تجربی، اقدامی منطقی و همسو با تجارب جهانی است. در بسیاری از کشورها، سهم بهره‌وری از رشد اقتصادی حتی بیش از این مقدار بوده است. با این حال، تحقق این هدف در ایران مستلزم انجام اصلاحات عمیق ساختاری و نهادی است. بهره‌وری صرفا با صدور بخشنامه یا تدوین قانون افزایش نمی‌یابد، بلکه نیازمند تغییر در شیوه حکمرانی اقتصادی، نظام مدیریتی بنگاه‌ها و فضای کسب‌وکار است.

با این حال، بهره‌وری تاثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی و تولید دارد و بسیاری از نمایندگان مجلس نیز یکی از دلایل مشکلات بخش تولید را پایین بودن بهره‌وری می‌دانند. هادی قوامی در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به ضرورت حمایت از تولید و به‌ویژه اصلاح سیاست‌های مالیاتی در این حوزه، گفت: ما به درستی از تولید حمایت نمی‌کنیم؛ چه در حوزه مالیات، چه تامین برق و گاز و چه در زمینه قوانین و مقرراتی که برای این بخش تدوین می‌شود.

نایب‌رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس با بیان اینکه برخی قوانین مرتبط با تولید عملا به مانعی در مسیر فعالیت واحدهای تولیدی تبدیل شده‌اند، افزود: برخی سیاست‌ها با تولید همراه نیستند تا بتوانند به‌عنوان مشوق عمل کنند و به توسعه این بخش کمک کنند.

وی با اشاره به پیش‌بینی حمایت‌های گسترده از تولید در قوانین برنامه‌های توسعه، اظهار کرد: در میان هفت برنامه توسعه کشور، بیشترین حمایت‌های قانونی از تولید در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده است، اما در عمل بیشترین بی‌اعتنایی به همین بخش صورت می‌گیرد؛ موضوعی که نشان‌دهنده وجود یک مشکل ساختاری در نگاه به تولید است.

قوامی ادامه داد: به نظر می‌رسد تولید را آن‌گونه که باید جدی نمی‌گیریم و همین مسئله موجب تضعیف تولید کالا و خدمات در کشور، کوچک شدن کیک اقتصاد ملی و منفی شدن رشد اقتصادی شده است. این نماینده مجلس با بیان اینکه بخشی از رشد پایین اقتصادی ناشی از جنگ و تحریم‌هاست، تصریح کرد: با این حال، بخش مهمی از رشد پایین اقتصادی به بهره‌وری نزدیک به صفر بازمی‌گردد که ریشه آن را باید در بازده پایین دارایی‌های مولد جست‌وجو کرد.

وی در ادامه با انتقاد از فشارهای مالیاتی بر بنگاه‌های تولیدی، گفت: برای مثال، اگر یک واحد تولیدی نتواند مالیات خود را در موعد مقرر پرداخت کند، باید ماهانه سه درصد جریمه بپردازد؛ این در حالی است که در شرایط جنگی که بسیاری از امور با اختلال مواجه شده و فعالیت بنگاه‌ها با مشکل روبه‌روست، چگونه می‌توان انتظار داشت واحدهای تولیدی بدون مشکل به فعالیت ادامه دهند و مالیات خود را نیز به‌موقع پرداخت کنند؟ اما به اعتقاد کارشناسان، بخش غیردولتی ظرفیت لازم برای تحقق رشد اقتصادی را دارد؛ رشدی که بخش مهمی از آن از مسیر ارتقای بهره‌وری و افزایش بازده دارایی‌های مولد محقق می‌شود. با این حال، بهره‌گیری از این ظرفیت در وهله نخست مستلزم اعتماد به بخش خصوصی و فراهم کردن زمینه فعالیت و مدیریت مستقل آن است.



در حال حاضر، بخشی از مشکلات در حوزه تعهدات ارزی نهفته است. زمانی که برای صادرکننده‌ای با هزاران میلیارد تومان دارایی، مسیر صادرات دشوار می‌شود و برای فعالیت او مطالبه تضمین صورت می‌گیرد، این مسئله نشان‌دهنده نبود اعتماد لازم به بخش خصوصی است؛ رویکردی که می‌تواند انگیزه فعالیت و ظرفیت تولیدی بنگاه‌ها را تحت تاثیر قرار دهد و مانعی در مسیر ارتقای بهره‌وری باشد.

همچنین به گفته بزرگان نظام، در بسیاری از حوزه‌ها مدیریت به بخش خصوصی واگذار نمی‌شود و به همین دلیل شاهد هستیم شرکت‌هایی که به یک معنا خصوصی‌سازی شده‌اند، همچنان مدیریت‌شان در اختیار دولت قرار دارد؛ چراکه دولت تصور می‌کند بهتر از بخش خصوصی می‌تواند آنها را مدیریت کند؛ در حالی که واگذاری واقعی مدیریت به بخش خصوصی می‌تواند زمینه افزایش بهره‌وری و استفاده موثرتر از ظرفیت دارایی‌های مولد را فراهم کند.

از سوی دیگر سیدحمید کلانتری، رئیس انجمن بهره‌وری ایران در گفت‌وگویی در اواسط بهمن سال ۱۴۰۳ با بیان اینکه در هر صورت چه تحریم باشیم و چه نباشیم، ضروری است تا به بهره‌وری در کشور توجه بیشتری شود، گفت: باید در نظام مدیریتی کشور به موضوع بهره‌وری توجه بیشتری شود. مدیران نباید فقط مدیر هزینه باشند، بلکه باید مدیر درآمد و بهره‌وری باشند.

رئیس انجمن بهره‌وری ایران افزود: نظام مدیریت در دولت و بخش خصوصی باید به بهره‌وری باور داشته باشد. یک مدیر بخش دولتی باید به این مسئله توجه داشته باشد که اگر مشکل بخش خصوصی را حل نکند نمی‌توان انتظاری از بهبود وضعیت اقتصاد و تحقق رشد اقتصادی داشت. اما یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر بهره‌وری، سرمایه انسانی است. آموزش نیروی کار، ارتقای مهارت‌ها، تطابق نظام آموزشی با نیازهای بازار کار و افزایش انگیزه و رضایت شغلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش بهره‌وری دارند. در اقتصادی که بخش قابل توجهی از نیروی کار آن در مشاغل غیرمولد یا کم‌بازده فعالیت می‌کند، نمی‌توان انتظار داشت که بهره‌وری به‌طور خودکار افزایش یابد. بنابراین اصلاح بازار کار و سرمایه‌گذاری هدفمند در آموزش، از پیش‌نیازهای تحقق اهداف برنامه هفتم است. عامل مهم دیگر، فناوری و نوآوری است.

استفاده از فناوری‌های نوین، دیجیتالی‌سازی فرآیندها، توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و حمایت از تحقیق و توسعه، می‌تواند نقش مهمی در افزایش بهره‌وری داشته باشد. در بسیاری از بخش‌های اقتصاد ایران، فناوری‌های مورد استفاده فرسوده و ناکارآمد هستند و همین مسئله موجب اتلاف منابع و کاهش رقابت‌پذیری شده است. بدون نوسازی فناوری و تقویت پیوند میان صنعت و دانشگاه، دستیابی به سهم ۲.۸ درصدی بهره‌وری بسیار دشوار خواهد بود.

از سوی دیگر، نظام مدیریتی و حکمرانی اقتصادی نیز تاثیر مستقیمی بر بهره‌وری دارد. ساختارهای پیچیده اداری، مقررات زائد، نبود شفافیت، فساد و عدم ثبات در سیاست‌گذاری، همگی از عواملی هستند که بهره‌وری را تضعیف می‌کنند. بهبود فضای کسب‌وکار، کاهش مداخلات غیرضروری دولت و تقویت رقابت سالم، می‌تواند انگیزه بنگاه‌ها برای افزایش بهره‌وری را تقویت کند.



کنایه سرلشکر رضایی به ترامپ:

با عکس کهنه نمی‌توان نظم گذشته را بازگرداند



گزارش «آگاه» درباره نقش‌آفرینی بسیجی‌ها در حوزه‌های مختلف را بخوانید

بسیج، پیشران پیشرفت کشور

بسیج مستضعفان، که با نام رسمی «سازمان بسیج» شناخته می‌شود، ستون پنجم نیروهای پنجگانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و وظیفه محوری گردآوری، مدیریت و سازماندهی نیروهای داوطلب مردمی در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی را برعهده دارد.

وقتی از هفته بسیج سخن می‌گوییم، معمولا ذهن‌ها به سمت برگزاری مراسم‌ها و سخنرانی‌ها می‌رود. اما اصل ماجرا جای دیگری است. این هفته، یادگار تصمیم تاریخی است، تصمیمی که امام خمینی (ره) در پنجم آذر ۱۳۵۸ گرفت و به فرمان تشکیل بسیج مستضعفان انجامید. نکته مهم اینجاست که آن فرمان، در شرایطی صادر شد که کشور تازه از یک انقلاب بیرون آمده بود، هنوز نهادهایش شکل نگرفته بود و همه محاسبات متعارف می‌گفت، باید اول به نظم سروسامان داد و بعد به فکر «مردم‌سازی» بود. امام ترتیب را برعکس می‌دیدند. اول مردم، بعد ساختار. به دلیل آنکه انقلاب بر پایه همین نقش و حضور مردم در بهمن ۵۷ به پیروزی رسید. پس هفته بسیج فرصت بازخوانی یک منطق است. منطقی که می‌گوید ظرفیت اصلی این کشور در خیابان‌ها، محله‌ها و روستاهاست.

■ نگاه امامین انقلاب به بسیج

امام خمینی (ره) بسیج را مدرسه عشق و ایثار می‌دید. جایی که آدم‌ها یاد می‌گیرند از منافع کوچک شخصی بگذرند تا هدف بزرگ‌تری محقق شود. در این تعریف، بسیج ساختار اداری نیست، تمرین مدنی است. به همین دلیل، بسیج در نگاه حضرت روح‌الله هرگز نباید به دستگاهی تبدیل شود که مردم برای دریافت خدمات به سراغش بروند؛ باید نیرویی باشد که خودش به سراغ مردم برود. رهبر شهید انقلاب نیز تاکید می‌کردند، منطق اصلی بسیج رفع تهدیدها و تبدیل به فرصت است. مهم‌ترین بخش از سخنان امام کبیر و امام شهید درباره بسیج تاکید همیشگی ایشان بر خدمت بود. در این نگاه، بسیجی کسی است که خدمت به مردم را افتخار می‌داند، نه پله‌ای برای رسیدن به جایگاه قدرت. این تعریف، بسیج را از نیروی نظامی، به نیروی اجتماعی چندلایه ارتقا می‌دهد؛ نیرویی که هم می‌تواند در خط مقدم بجنگد، هم در روستا مدرسه بسازد و هم در آزمایشگاه کار کند.

از بهمن ۵۷ تا به وقت دوم آذر ۱۴۰۵ ایران، فراز و فرودهای بسیار زیادی را سپری کرده و امروز به درخت بسیار تنومندی تبدیل شده که قدرت‌های بزرگ هم نمی‌توانند صدمه‌ای به ساختار و پیکره نظام اسلامی وارد کنند، برهمین اساس این حرف درست است، قدرت نظامی ایران محصول پیشرفت صنایع موشکی و پهپادی است. اما سوال درست این است؛ چه چیزی این پیشرفت را ممکن کرد؟

ساخت سامانه‌ای که بتواند در شرایط تحریم، هم قطعاتش را بسازد، هم آزمایش کند، هم ارتقا دهد، بدون اتکا به زنجیره تامین جهانی، نیازمند چیزی بیش از بودجه است؛ نیازمند نیروی انسانی باانگیزه، انعطاف‌پذیر، مومن و کارآمد در سراسر کشور است. درهمین جا بسیج وارد می‌شود. بسیج امروز فقط در سنگر نیست. در دانشگاه، در پارک علم و فناوری، در کارگاه کوچک شهرستان، در تیم‌های مهندسی و... حضور دارد.

اما نکته دوم، مفهوم عمق دفاعی است. در ادبیات نظامی، عمق یعنی فاصله‌ای که دشمن باید طی کند تا به مرکز ثقل برسد. ایران این عمق را نه فقط با جغرافیا، با مردم ساخته است. وقتی هر شهر، محله و روستا حلقه آگاهی و آمادگی داشته باشد، محاسبه دشمن تغییر می‌کند. دیگر با یک نقطه نمی‌جنگد، با شبکه‌ای منسجم و واحد می‌جنگد و شبکه با ضربه از کار نمی‌افتد. نکته سوم به نقش بسیج در جنگ نرم و ادراکی اختصاص پیدا می‌کند. امروز بخش بزرگی از نبرد، در ذهن مردم اتفاق می‌افتد. اعتماد به آینده، امید به پیشرفت، مقاومت در برابر روایت‌های ناامیدکننده. بسیج در این میدان، کارکرد اصلی دارد. کارکردی که اجازه نمی‌دهد، پیوند مردم با آرمان‌هایشان شل شود و این، خودش یک سلاح بازدارنده است، چون دشمن می‌داند ملتی که امیدش را از دست نداده، با فشار شکسته نمی‌شود.

■ بسیج و سازندگی

اگر بخش دفاعی را نیمه آشکار ماجرا بدانیم، نیمه دیگر، همان است که در زندگی روزمره مردم دیده می‌شود؛ «سازندگی و خدمت». بسیج نیز در این حوزه با سه کارکرد ملموس خوش درخشید و کارنامه قابل قبولی از خود ارائه داد.

۱- در سیل، زلزله و دوران شیوع بیماری اولین نیرویی که حاضر می‌شود، بسیج است، نمونه بارز آن نقش‌آفرینی بسیج در مبارزه با ویروس کرونا بود.

۲- دولت به تنهایی نمی‌تواند همه جا حاضر باشد، اما شبکه مردمی می‌تواند انجام وظیفه کند. چون بخشی از کار، با نیروی داوطلبانه و انگیزه درونی انجام می‌شود، نه با قراردادهای پیمانکاری. دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان پروژه ساخت مدارس را در استان‌ها در دستور کار قرار داده و قطعا یکی از بازیگران این پروژه که «یار دولت» به حساب می‌آید و کنار دولتی‌ها دیده می‌شود، بسیج است.

مدرسه‌سازی در روستای دورافتاده، به همان اندازه، استقرار سامانه پدافندی اهمیت دارد. اولی، عمق اجتماعی می‌سازد و دومی، عمق جغرافیایی. قدرت واقعی هم وقتی تقویت می‌شود که این دو لایه روی هم سوار شوند.

۳- حمایت از کسب‌وکارهای خرد، آموزش مهارت و کمک به واحدهای تولیدی در زمره کارکردهای اقتصادی بسیج قرار می‌گیرد. اما مهم‌تر از این فعالیت‌ها، پیامی است که منتقل می‌کند و آن اینکه اقتصاد، فقط با تصمیم بالا به پایین ساخته نمی‌شود، با مشارکت پایین به بالا ساخته می‌شود.

پس بسیج، صرفا نیروی کمکی نیست، سرمایه اجتماعی است و سرمایه اجتماعی، همان مولفه‌ای است که موشک را از یک قطعه به قدرت تبدیل می‌کند چون موشک، ابزار است و ابزار بدون پشتوانه، فقط تهدید به حساب می‌آید.

بسیج، شیوه و روشی است که در آن، قدرت ملی از دل مشارکت مردمی بیرون می‌آید و همین، رمز آن چیزی است که امروز به آن «بازدارندگی» می‌گوییم.

آوار غزه؛ اشک میناب

روایتی از کودکی‌های ربوده شده



علی معروفی‌آرانی، پژوهشگر حوزه صهیونیسم و یهودیت: از کوچه‌های ویران‌شده غزه که آخرین رد پای خنده کودکان در میان آوارها گم شده، تا نیمکت‌های خونین مدرسه‌ای در میناب که حالا تنها شاهد سکوت تلخ فقدان است؛ جغرافیای رنج، پیوندی ناگسستنی میان غزه و ایران یافته است. منازعات نظامی و محاسبات ژئوپلیتیک قدرت‌های بزرگ، هزینه‌ای غیرقابل جبران بر عهده بی‌گناه‌ترین اعضای جوامع گذاشته است. از ویرانی‌های گسترده در غزه تا آسیب‌های ناشی از ویرانی و جنگ در مدرسه شجره طیبه میناب، پیامی واحد وجود دارد: کودکان این جغرافیا، بزرگ‌ترین قربانیان بی‌رحمانه سیاست‌های جهانی آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند. از کوچه‌های ویران‌شده غزه و نیمکت‌های خونین مدرسه میناب گرفته تا سال‌های طولانی جنگ، فقر و محرومیت در افغانستان، بچه‌های این جغرافیا هنوز هم سنگین‌ترین تاوان منازعات نظامی و محاسبات قدرت‌های بزرگ را می‌دهند؛ کودکانی که سهم‌شان از دنیا به جای کتاب و بازی، ترس، دلتنگی و حسرت شده است.

مدرسه در تمام فرهنگ‌ها، ادیان و قوانین شناخته شده دنیا پناهگاه مقدس یادگیری و امنیت است و وقتی کلاس درس به صحنه داغ و اندوه خانواده‌ها تبدیل می‌شود، دیگر نمی‌توان با زبان خشک و دیپلماتیک از امنیت نسل آینده سخن گفت. برای آنان، کودکی نه با بازی و خنده که با صدای ممتد پهپادهایی که بر فراز چادرها می‌چرخند، غرش جنگنده‌هایی که آسمان را می‌شکافند و شلیک سنگین توپخانه و انفجارهایی گره خورده است که خواب را از چشمان‌شان می‌رباید. شب‌های کودکان فلسطینی با هراس از حمله دژخیمان صهیونیستی به صبح می‌رسد و روزهای‌شان در جست‌وجوی آب، غذا، دارو و پناهگاهی امن می‌گذرد؛ آنان که هر بار با شنیدن صدای انفجار، به جای آنکه در آغوش خانواده احساس امنیت کنند، از ترس به گوشه‌ای پناه می‌برند.

نقض حقوق کودکان در غزه به‌شدت و به شکلی فاجعه‌بار ادامه دارد؛ روز جهانی کودک در سال جاری در حالی فرامی‌رسد که کودکان فلسطینی هدف آشکاری برای جنایت‌های رژیم صهیونیستی هستند؛ بیش از ۱۷ هزار کودک اهل غزه در حالی به شهادت رسیده‌اند که بدن‌های کوچک‌شان در معرض انواع سلاح‌های کشنده از جمله بمب، موشک و دیگر اشکال وحشتناک خشونت قرار گرفت؛ پیکرهای تکه‌تکه‌شده کودکان غزه از زیر آوار بیرون کشیده می‌شوند؛ آنها در صورت زنده ماندن باید پیکر اعضای خانواده خود را از زیر آوارها خارج کنند؛ کودکان غزه در وحشت و ویرانی روانی غیرقابل تصوری زندگی می‌کنند.

در روزی که جهان از لبخند کودکان و رؤیاهای رنگارنگ‌شان سخن می‌گوید، جنایات اشغالگران صهیونیستی در غزه، هزاران کودک را پیش از آنکه فرصت زندگی بیابند، به کام مرگ کشانده است؛ برخی با پیکرهای زخمی و خونین از زیر آوار بیرون کشیده شده یا از تخت بیمارستان سر برآورده‌اند و گروهی دیگر، در سکوتی سنگین، با کابوس مرگ عزیزان‌شان در گرسنگی و آوارگی روزگاری سخت می‌گذرانند. (۱) در روایت پزشکان حاضر در غزه، تصویر دردناکی از شمار بالای مجروحان، کمبود دارو و تجهیزات و دشواری انجام جراحی‌های پیچیده دیده می‌شود. بیمارستان‌هایی که از حملات و تخریب‌ها آسیب دیده‌اند، با کمبود سوخت، تجهیزات و محدودیت دسترسی به ملزومات درمانی ناچارند در شرایطی دشوار به مداوای کودکان مجروح ادامه دهند. مدت‌هاست که بمب‌ها در غزه برای کودکان لالایی می‌خوانند و کودکان این منطقه تحت محاصره زیر فشار بمباران‌های مستمر رژیم صهیونیستی به چیزی جز بقا نمی‌توانند بیندیشند؛ وضعیت کودکان در غزه در پی جنگ بیش از ۴۰۰ روزه رژیم صهیونیستی علیه این منطقه تحت محاصره در مسیر وخامت روزافزون حرکت می‌کند و غزه اکنون به گورستان کودکان تبدیل شده است.

سازمان پزشکان بدون مرز در گزارشی درباره خدمات درمانی کودکان اعلام کرده است که از ژانویه تا پایان آوریل ۲۰۲۶ (دی ۱۴۰۴ تا اوایل اردیبهشت)، در بخش تروما‌ی بیمارستان ناصر ۱۹۶ کودک زیر ۱۵ سال پذیرش شده‌اند؛ کودکانی که حدود ۲۰ درصد از مجموع ۹۶۶ بیمار مجروح این بخش را تشکیل می‌دادند. ۶۶ نفر از آنان، یعنی حدود یک سوم، کمتر از پنج سال داشتند. در کلینیک این سازمان در شهر غزه نیز ۱۱۳ کودک برای درمان پذیرش شده‌اند که بنا بر گزارش این نهاد، نزدیک به ۹۶ درصد آنان بر اثر انفجارهای ناشی از بمباران یا تیراندازی مجروح شده بودند. لبنان و یمن نیز از این فاجعه انسانی بی‌بهره نمانده‌اند.

بر اساس گزارش یونیسف، از اکتبر ۲۰۲۳ بیش از ۳۱۶ کودک در لبنان جان باخته و یک هزار و ۴۵۰ کودک مجروح شده‌اند و در مرگبارترین دوره درگیری‌ها به طور متوسط روزانه بیش از سه کودک شهید می‌شدند. در یمن، حملات هوایی آمریکا در مارس ۲۰۲۵ به استان صعده به شهادت دست‌کم دو کودک ۶ و هشت ساله منجر شد و حملات رژیم صهیونی به صنعا و استان جوف در سپتامبر ۲۰۲۵ پنج کودک را به شهادت رساند و ۳۱ کودک دیگر را زخمی کرد. سازمان «نجات کودکان» نیز گزارش داد در سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۱۰۳ کودک در یمن شهید و ۲۴۶ کودک مجروح شده‌اند.

در ایران نیز حمله به مدرسه ابتدایی «شجره طیبه» در میناب استان هرمزگان در نخستین روز جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونی در ۹ اسفند ۱۴۰۴، ده‌ها دانش‌آموز را به کام مرگ کشاند. دادستانی میناب شمار جان باختگان را ۱۵۶ نفر اعلام کرد که ۱۲۰ نفر آنان کودک بودند و وزیر بهداشت ایران از شهادت ۲۱۰ کودک و مجروح شدن یک هزار و ۵۱۰ کودک از آغاز حملات خبر داد. یونیسف نیز اعلام کرد طی ۱۰ روز نخست تشدید درگیری‌ها بیش از یک هزار و ۱۰۰ کودک در کشورهای مختلف شهید یا مجروح شده‌اند که ۲۰۰ مورد شهادت به ایران مربوط بوده است. (۲) در این میان، ایران با وجود فشارها و تهاجمات، همواره اقتدار و استحکام خود را در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و علمی ثابت کرده است. میناب و دیگر نقاطی که تحت تاثیر اخبار جنگ قرار گرفته‌اند، در دسترس برنامه‌های بازسازی و حمایت‌های مردمی و دولتی هستند و ساختن دوباره مدرسه‌ها، خانه‌ها و آینده کودکان، از اولویت‌های قطعی دولت جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

در نهایت، صلح زمانی معنا می‌یابد که صدای خنده کودکان در مدارس، جایگزین صدای انفجارها شود؛ چرا که هر کودک از دست رفته، گامی به عقب در مسیر تکامل انسانیت است. بنابراین، بازگرداندن امنیت به محیط‌های آموزشی در مناطق بحران‌زده، نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک ضرورت اخلاقی و حقوقی برای حفظ بقای نسل‌های آینده است.

منابع:

۱- ایرنا ۲۹ آبان ۱۴۰۵
۲- سایت دولت

جانشین رئیس سازمان بسیج در سومین دوره جام رسانه‌های امید خبر داد

فرمان فرمانده محقق شد



سردار قاسم قریشی، جانشین رئیس سازمان بسیج روز یک‌شنبه در مراسم جام رسانه‌های امید طی سخنانی با بیان اینکه باید درباره اینکه آمریکایی‌ها به‌دلیل فاصله‌گرفتن از منشأ تهدید، تصور می‌کنند در امنیت هستند، هشدار دهیم که این تصور کاملا واهی است، گفت: در گذشته، برآورد نظامی براساس تهدیدات در محدوده ۲۰۰۰ کیلومتری بود، اما امروز با اجرای دستور هوشمندانه مقام رهبری، معادله تغییر کرده است. اگر در گذشته بیشتر تمرکز بر برد موشک بود، امروز تمرکز بر «دقت» بیشتر است؛ دقتی که در حد سانتی‌متر تعیین شده است.

وی تصریح کرد: آمریکایی‌ها تصور می‌کردند موشک‌های ما فتوشاپ است! به‌همین خاطر فکر می‌کنند در فاصله ۲۰۰۰ کیلومتری در امنیت هستند، اما با تحقق دستور رهبر انقلاب مبنی بر دقت سانتی‌متری تسلیحات، هیچ هدفی در این فواصل امن نخواهد بود. با تجهیزات، سلاح، اطلاعات و قدرت آتش جدید، نیروهای مسلح ایران آمادگی کامل برای اجرای فرمان فرمانده معظم کل قوا را دارند.

جانشین رئیس سازمان بسیج با بیان اینکه این تغییر در دقت تسلیحات، به‌معنای آن است که حتی با تغییرات جزئی می‌توان برد موشک‌ها را چندین برابر کرد و هر هدف مشخصی را دقیقا مورد اصابت قرار داد، افزود: اراده فرمانده کل قوا و قدرت عملیاتی نیروهای مسلح، هرگونه تلاش دشمن برای استفاده از امنیت کاذب ناشی از فاصله را در نطفه خفه خواهد کرد. فرمان حضرت آقا در مورد نیروهای مسلح درباره سلاح، تجهیزات و قدرت آتش محقق شده است. آمریکایی‌ها در ۲۰۰۰ کیلومتری هم احساس امنیت نخواهند کرد. تصمیم و اراده رهبر انقلاب اسلامی در موقع لزوم توسط نیروهای مسلح عملی می‌شود.

سردار قریشی گفت: پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های بهداشت و درمان، زیرساخت، صنعت و تجهیزات نظامی، حاصل خودباوری و اعتماد به توان جوانان ایرانی است. پیش از انقلاب، بسیاری از روستاها از امکانات اولیه‌ای مانند آب آشامیدنی بهداشتی و گاز محروم بودند و حتی در برخی مناطق تهران نیز آب لوله‌کشی وجود نداشت اما امروز کشور در حوزه‌هایی مانند سدسازی، راه‌سازی، پالایشگاه‌سازی و صنایع نفت، گاز و پتروشیمی به توانمندی‌های قابل توجهی دست یافته است.

وی با یادآوری اینکه در حوزه نظامی کشور در سال‌های ابتدایی جنگ تحمیلی با کمبود شدید تجهیزات و حتی تسلیحات ابتدایی مواجه بود به‌گونه‌ای که رزمندگان برای تامین فشنگ و سلاح به تجهیزات به جامانده از نیروهای عراقی متکی بودند، خاطرنشان کرد: در مقابل، عراق از حمایت تسلیحاتی کشورهای مختلف برخوردار بود و حتی سلاح‌های شیمیایی در اختیار این کشور قرار می‌گرفت که به مجروحیت و جانبازی بیش از ۱۰۰ هزار ایرانی انجامید. با وجود این محدودیت‌ها، تاکید امام خمینی (ره) بر ساخت تجهیزات در داخل کشور و اعتماد به توان جوانان، زمینه‌ساز شکل‌گیری ظرفیت‌های دفاعی امروز شد. امام خمینی (ره) حتی در شرایطی که امکان خرید موشک از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق با قیمت مناسب وجود داشت، بر ساخت داخلی آن تاکید کردند.

جانشین رئیس سازمان بسیج گفت: این رویکرد با تلاش نیروهای سپاه و وزارت دفاع ادامه یافت و کشور به توانایی ساخت موشک‌های پیشرفته و نقطه‌زن دست پیدا کرد؛ توانمندی‌ای که در جنگ‌های اخیر نیز جلوه‌های آن آشکار شد.

حاشیه‌سازی‌ها و بگومگوهای نمایندگان به نفع چه کسانی تمام می‌شود؟

روز تلخ بهارستان

ماجرا از سامانه یک نماینده مجلس شروع شد. جلسه علنی و وبیناری مجلس قرار بود اول آذر برگزار شود؛ نمایندگان حاضر بودند، اما سامانه نمایندگی حمید رسایی که به تازگی از زندان به مرخصی آمده فعال نبود، همین اقدام سوژه‌ای برای حاشیه‌سازی شد. به اندازه‌ای نمک حاشیه‌سازی‌ها زیاد شد که هیات‌رئیسه تصمیم گرفت جلسه را لغو کند.

کشور در حساس‌ترین مقطع چهار دهه گذشته به سر می‌برد. آمریکا و رژیم صهیونی همچنان در حال برنامه‌ریزی برای تقابل با جمهوری اسلامی هستند. رزمندگان سپاه و ارتش در میدان با تجاوزگری‌های دشمن متجاوز مبارزه می‌کنند و در این بین باید به حضور مردم مبعوث در خیابان‌ها اشاره کرد. حقیقتا ولی نعمتان انقلاب یعنی همان مردم به خوبی می‌دانند چه وظایفی برعهده دارند، اما عده‌ای از خواص و فعالان سیاسی و رسانه‌ای چشم‌های‌شان را بسته‌اند و نمی‌خواهند بپذیرند در چه شرایط حساسی قرار داریم و به هر شکل ممکن به دنبال تولید حاشیه هستند!

طبق دستور کار مجلس باید نمایندگان روز یک‌شنبه تشکیل جلسه می‌دادند اما به دلیل حواشی ایجاد شده، جلسه برگزار نشد. رسایی، نماینده تهران در حساب کاربری خود در مجازی نوشت: «برخی از نمایندگان ملت قبل از شروع جلسه به نیکزاد اعلام کردند که اگر جلسه را شروع کنند و همچنان رسایی به سامانه نمایندگی دسترسی نداشته باشد، علنی اعتراض خواهند کرد تا مردم از واقعیت مطلع شوند. مذاکره نیکزاد با قالیباف در این باره پاسخ نداد و وی حاضر به بازکردن سامانه نمایندگی رسایی نشد. در نهایت هیات‌رئیسه برای اینکه صدای این اعتراض به حق، عمومی نشود، جلسه را لغو کرد.»

فقط نماینده تهران نبود که دست به توئیت شد؛ مجتبی زارعی، نماینده دیگر تهران از آنچه در پارلمان گذشت انتقاد کرد و یک فعال رسانه‌ای نزدیک به جریان خاص با کنایه جوابش را داد. سیدمرتضی محمودی، نماینده تهران و از هم حزبی‌های رسایی نیز در توئیتش با ادبیات تند نوشت: «مراقب روایت‌سازی جعلی نوچه‌های وفاق باشید!»

کار به اینجا ختم نشد! امیرابراهیم رسولی، مشاور سیاسی رئیس مجلس در گفت‌وگویی گفت: «روز تلخی در مجلس دوازدهم رقم خورد که بانی این اتفاق چهار تا پنج نفر بودند بنابراین نباید به دلیل رفتار این افراد، کلیت مجلس و اکثریت نمایندگان زیر سوال برود. باید بپذیریم که این اقلیت پرصدا به آبروی مجلس شورای اسلامی و اکثریت نمایندگان لطمه زدند.»

به راستی این حاشیه‌ها و دعواهای لفظی، چه سودی برای ما دارد؟ وقتی سیاستمداران (نمایندگان مجلس) وقت و انرژی خود را صرف به جان هم افتادن و متهم کردن یکدیگر می‌کنند، در اصل از مسیر اصلی خدمت منحرف می‌شوند. این نوع برخورد، نه دردی را دوا و نه گره‌ای از مشکلات باز می‌کند. فقط خوراکی برای رسانه‌های معاند فراهم می‌کند. رسانه‌های دشمن، منتظر چنین لحظاتی هستند. آنها از این درگیری‌ها استفاده می‌کنند تا تصویری از کشوری متشتت را به جهان نشان دهند. آنها می‌خواهند بگویند، در حالی که جبهه‌های اصلی دفاع در حال ایستادگی هستند، در پارلمان، بحث بر سر حواشی و دعواهای داخلی است. وقتی نمایندگان و فعالان سیاسی درگیر متهم کردن یکدیگر می‌شوند، در واقع دارند دقیقا همان چیزی را که دشمن می‌خواهد، به او هدیه می‌دهند.

صرفا جهت یادآوری! پیش روی نمایندگانی که به مدت چهار سال ردای نمایندگی را برتن کرده‌اند و این دوران به سرعت برق و باد می‌گذرد، پیام مقام رهبری قرار دارد. حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای هفتم خرداد ۱۴۰۵ در پیامی آورده بودند: «صندلی نمایندگی به مثابه سنگر خط مقدم تحول در مسیر پیشرفت کشور قلمداد می‌شود. لذا شایسته است نمایندگان ملت با پاسداشت خون‌های پاک شهدای مظلوم دو جنگ تحمیلی آمریکایی-صهیونیستی و درراس آنها رهبر عظیم‌الشأن شهیدمان اعلی‌الله مقامه الشریف، به‌طور مجاهدانه تمام توان و ظرفیت خود را برای حکمرانی هم‌افزا با دولت و سایر دستگاه‌ها در عین استقلال قوه مقننه، در مسیر نوسازی شایسته کشور، گره‌گشایی از دغدغه‌های مردم خصوصا مسائل اقتصادی و معیشتی، رونق تولید و اشتغال، رشد تراز علم و صنعت، اعتلای فرهنگ و اخلاق، مبارزه با فساد مالی، مهار تورم و گرانی و محرومیت‌زدایی همه جانبه مصروف کنند.»

آقایان نماینده، فعالان سیاسی و رسانه‌ای! اگر می‌خواهیم خانه ملت به معنای واقعی کلمه خانه ملت باشد، باید یاد بگیریم صداها کاملا هماهنگ با نیازهای مردم و در جهت تقویت قدرت ملی باشد، نه در جهت تضعیف آن.

اگر می‌خواهیم خانه ملت به معنای واقعی کلمه خانه ملت باشد، باید یاد بگیریم صداها کاملا هماهنگ با نیازهای مردم و در جهت تقویت قدرت ملی باشد، نه در جهت تضعیف آن



امیرحاتمی، فرمانده کل ارتش:

بسیج در هر سه جنگ تحمیلی، سدی محکم در برابر دشمنان بود

آمریکا زمانی پای میز مذاکره می‌آید که ضربات کاری نظامی دریافت کند

«ضربه نخست» جایگزین «بن بست دیپلماسی»



جمیع شرایط و حوادث بیانگر آن است که عزم جبهه خصم برای تجاوز مجدد به ایران عزیز ما جزم است. آرایش نظامی دشمن آمریکایی و صهیونیستی، جنگی است و حلقه محاصره نیز از ناحیه آنان تنگ‌تر شده است.

جنگ روانی و تروریسم رسانه‌ای نیز از سوی دشمن برای مشروعیت بخشی به هدف قرار دادن زیرساخت‌های ما، طی روزهای اخیر برجسته و پررنگ شده است. بنابراین ما باید این معضل را چاره کنیم و تدبیر نیز چیزی نیست جز وارد آوردن ضربه اول.

آمریکا طی روزها و هفته‌های اخیر بر حجم و تکثر قوای نظامی خود در منطقه غرب آسیا افزوده است؛ از تجهیز ناوها تا تکثیر کماندوها و تفنگداران دریایی. از سوی دیگر، رسانه‌های استکباری شروع به خبرسازی جعلی و دروغین در باب ارتباط زیرساخت‌های ما نظیر سدها و معادن ایران با برنامه‌های نظامی و دفاعی‌مان کرده‌اند. اختاپوس رسانه‌ای غرب با این کار می‌خواهد زیرساخت‌های ما را هدف مشروع تجاوز جلوه دهد.

بنابراین تمامی شواهد و قرائن حاکی از آن است که تجاوز مجدد آمریکا و رژیم اسرائیل به ایران عزیز ما قطعی است و بحث فقط در مورد زمان این تجاوز است نه تحققش. فلذا ما باید استراتژی جهاد ابتدایی و جنگ پیش‌دستانه را روی میز بگذاریم.

وقتی صف‌آرایی جبهه دشمن در آستانه مرزهای ما، رنگ و بوی تهاجم به خود گرفته است، انتظار در میدان رزم، مساوی با واگذاری ابتکار عمل است. پیش‌دستی در ضربه نخست، تنها راه درهم شکستن ماشین جنگی آمریکا و رژیم صهیونیستی پیش از شلیک گلوله نخستین به سوی زیرساخت‌های ماست.

■ ضربه قاطع اول

در منطق دکترین دفاعی مقاومت، تکیه بر پدافند مطلق در برابر دشمنی که خنجر را از نیام برکشیده، خطای راهبردی است؛ ما نباید اجازه دهیم تا جغرافیای این سرزمین، جولانگاه آتشین تجاوز دشمن شود، بلکه پیش از آنکه ماشین جنگی استکبار جرات تهاجم یابد، باید ضربه قاطع اول بر پیکره منافع حیاتی‌اش فرود آید. تروریسم رسانه‌ای و سناریوسازی‌های روانی این روزهای محور آمریکایی و صهیونی پرده‌پوشی آشکاری است بر طرح شوم تجاوز مجدد. در برابر دشمنی که عزم ضربه زدن کرده، تردید کردن، خطایی مهلک است و تبیین راهبرد پیش دستی، تنها فرمانروای میدان برای خنثی‌سازی توطئه پیش از تحقق آن است. هنگامی که کارد محاصره و تهدید به استخوان رسیده است، صبر استراتژیک معنای خود را از دست می‌دهد؛ پیش‌قدم شدن در وارد کردن ضربه نخست به پایگاه‌ها و منافع حیاتی آمریکا و اسرائیل، تنها زبان فهم‌پذیری است که متجاوز را از صرافت تجاوز بازمی‌دارد. ما حتی اگر می‌خواهیم در میز مذاکره با آمریکا نیز به پیروزی برسیم، در شرایط فعلی راهی نداریم جز تشدید تنش و اتخاذ استراتژی جنگ پیش‌دستانه و زدن ضربه نخست. اساسا آمریکا زمانی میز مذاکره را می‌چیند و با عجله به سمت آن می‌آید که بداند هیچ راه و انتخاب دیگری ندارد؛ نظیر میز مذاکره اسلام‌آباد، ۴۸ ساعت پس از پایان جنگ ۴۰ روزه و ضربات کاری قوای نظامی ایران بر پایگاه‌ها و مواضع آمریکا در منطقه و فرامنطقه.

مسئولان کشور به ویژه مسئولان دولتی باید قبول کنند در شرایط فعلی، دیپلماسی سنتی به بن بست رسیده است و واقعیت عریان این است که طرف مقابل، نه به دنبال میز مذاکره، بلکه در پی تسلط و تغلب بر ایران است. مذاکره یعنی امتیاز دادن و امتیاز ستاندن. باید قبول کرد که در شرایط فعلی، آمریکا حاضر به دادن امتیاز به ما نیست. آمریکایی‌ها امید دارند که برای تنگه هرمز جایگزین بیابند و میزان خروج نفت از این آبراه را به مقدار پیش از جنگ بازگردانند. وقتی این امید در وجود آنها جریان و سریان دارد، مشخص است که تمنای بازگشایی تنگه هرمز را نمی‌کنند و نتیجتا دلیلی برای مذاکره نمی‌بینند.

■ ضربه به مسیرهای جایگزین تنگه هرمز

حال چاره کار چیست؟ چاره و تدبیر آن است که به آمریکایی‌ها بفهمانیم، تنگه هرمز، جایگزین ندارد. برای نمونه، حلقه انسداد تنگه را باید تنگ‌تر کنیم و اجازه ندهیم حتی یک قطره نفت از تنگه عبور کند. از سوی دیگر، باید روش‌های جایگزین و راه‌های دور زدن تنگه هرمز را هم خنثی کنیم. در این میان مشخصا باید مدارا با طرف سعودی و اماراتی را کنار بگذاریم و هم خط لوله ینبع سعودی و هم بندر فجیره اماراتی و شاتل‌های انتقال نفت ابوظبی را به قعر دریا بفرستیم.

ما نباید در دام «انتظار برای امتیاز» بیفتیم. امتیازی از ناحیه آمریکای جهانخوار برای ما در کار نیست. تنها راه عبور از این حصار، استفاده از استراتژی «تشدید هوشمندانه تنش» است. برخلاف تصور عمومی، ورود به مرحله تشدید تنش، نه تنها ظرفیت‌های دفاعی را کاهش نمی‌دهد، بلکه از زیرساخت‌های حیاتی ایران در برابر ضربات پیش‌دستانه آمریکایی و صهیونیستی محافظت می‌کند. ما به واسطه تشدید تنش و با استفاده از ابزارهای بازدارندگی، فضای امنی برای بازگشت به میز مذاکره ایجاد می‌کنیم؛ میزی که در آن، آمریکا از روی استیصال، مجبور به امتیاز دادن به ایران است و دیگر بحث لجاجت دیپلماتیک در کار نیست. فراموش نکنیم که دیپلماسی، فی‌نفسه فاقد موضوعیت است و وقتی شما قدرت نظامی خود را دیکته کردید، دیپلماسی صرفا طریقیت می‌یابد.

دیپلماسی بدون بازدارندگی، تنها نوعی خودباختگی مستتر در لباس منطق است. در معادلات قدرت، میز مذاکره، برآمده از قدرت در مشت است، نه تمنا و التماس و لبخند. اگر بخواهیم در حصار انتظارات توخالی گرفتار نشویم، باید یاد بگیریم که قدرت، تنها زبان قابل فهم حاکمان جهان به ویژه مستبدان مستکبر آمریکایی و صهیونی است.

■ تجاوز قریب‌الوقوع

تحرکات نظامی آمریکا، فعالیت‌های اطلاعاتی و اظهارات مقام‌های کاخ سفید، نشان می‌دهد که واشنگتن و تل‌آویو در حال تکمیل آمادگی‌های نظامی و زمینه‌سازی برای آغاز دور جدیدی از حملات علیه ایران هستند. جنگ، قطعی و قریب‌الوقوع است. ایران نباید منتظر آغاز حمله آمریکا بماند، بلکه باید ابتکار عمل را در دست گرفته و پیش از اقدام نظامی طرف مقابل، هزینه‌های جنگ را برای آن افزایش دهد. ایران نیازمند گذار از استراتژی پاسخ به اقدام دشمن به سمت پیش‌دستی راهبردی است؛ تا با ایجاد بن بست‌های لجستیکی و امنیتی، هزینه ورود به میدان را برای متخاصمان غیرقابل تحمل کند. باید از تله واکنش گرایی گریخت؛ مقاومت واقعی زمانی معنا می‌یابد که دشمن، پیش از فشردن ماشه، خود را در میان حصار بی‌رحمانه قدرت ملی ایران ببیند.

اینکه رزمندگان گرانقدر ما طی روزهای اخیر اقدام به انهدام رادارهای پدافندی دشمن آمریکایی در بحرین و کویت کرده‌اند، اقدامی مطلوب است اما باید به دشمن آمریکایی ضرباتی دردآور وارد کنیم. آنچه برای آمریکا دردآور خواهد بود، زدن ناو جنگی و غرق شدن آن است. همچنین همان‌طور که در سطور بالا اشاره شد باید زیرساخت‌های انتقال نفت از منطقه و مشخصا خط لوله ینبع سعودی و بندر فجیره امارات را زیر ضربه ببریم تا درد کاملا به آمریکا و اذنابش منتقل شود.

ادعای آمریکایی‌ها پیرامون گشایش تنگه هرمز مضحک است

هرمز؛ ویترین دروغ واشنگتن



در حالی که مقام‌های آمریکایی از کنترل تنگه هرمز و بازگشت جریان نفت به سطح پیش از جنگ سخن می‌گویند، داده‌های بازار انرژی، کشتیرانی و تجارت جهانی تصویر دیگری نشان می‌دهد.

گزارش تازه رویترز درباره راهبرد قطر برای کاهش ریسک اختلال در تنگه هرمز، نشان می‌دهد که حتی بزرگ‌ترین صادرکننده LNG جهان نیز نمی‌تواند وابستگی خود را به این آبراه با ایده‌هایی مانند خرید LNG از آمریکا یا دیگر تولیدکنندگان برای جبران صادرات از میان بردارد. این گزارش نشانه‌ای دیگر از بطلان ادعای واشنگتن درباره بازگشایی هرمز است. قطعا عبور بخشی از نفت خام، به معنای بازگشت کامل تجارت، انرژی، امنیت و اقتصاد خلیج فارس به وضعیت پیش از جنگ نیست.

■ کنترل یا عبور پرهزینه؟

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا هفته پیش در سخنانی تکراری ادعا کرد: ما در حال حاضر خلیج فارس و تنگه هرمز را کنترل می‌کنیم و نفت بیشتری نسبت به پیش از جنگ از منطقه خارج می‌شود. روایت رسمی دولت آمریکا، بهبود نسبی عبور نفت خام از تنگه هرمز را به منزله بازگشایی کامل و عادی شدن وضعیت این آبراه وانمود می‌کند اما آمارها چنین نتیجه‌ای را تایید نمی‌کنند. طبق داده‌های S&P تردد کل از تنگه هرمز همچنان حدود ۶۵ درصد کمتر از سطح پیش از جنگ است؛ در حالی که صادرات کل نفت خام خاورمیانه در هفته منتهی به ۱۰ نوامبر به حدود ۷۶ درصد سطح پیش از جنگ رسیده است.

به بیان دیگر، حتی اگر نفت خام بیشتر عبور کند، کل شبکه دریایی هرمز، از نفتکش‌ها و کشتی‌های LNG تا کانتینربرها و کشتی‌های حمل فرآورده‌های پتروشیمی، هنوز در مقیاسی بسیار کوچک‌تر از پیش از جنگ فعالیت می‌کند.

■ قطر؛ نمونه‌ای که ادعای آمریکا را زیر سوال می‌برد

گزارش رویترز روز چهارشنبه ۲۷ آبان می‌نویسد که شرکت «قطر انرژی» برای کاهش ریسک اختلال آینده در هرمز، در حال خرید LNG بلندمدت از آمریکا و دیگر تولیدکنندگان است. این راهبرد می‌تواند درآمد و انعطاف تجاری ایجاد کند اما مشکل اصلی قطر را حل نمی‌کند. تقریبا تمام LNG این کشور باید از تنگه هرمز عبور کند. در اکتبر، ۳۱ نفتکش LNG از تنگه هرمز خارج شدند؛ بالاترین رقم از آغاز جنگ در ۹ اسفند ۱۴۰۴. با این حال، این رقم در برابر بیش از ۶ میلیون تن صادرات قطر در فوریه، هنوز بسیار پایین است.

اریک پپ، تحلیلگر ارشد S&P گفته است: امارات که سواحل شرقی خارج از تنگه هرمز دارد، به سطح تردد پیش از جنگ برگشته اما قطر به بیش از ۳۰ درصد تردد پیش از جنگ در هرمز رسیده است. بلومبرگ نیز گزارش داده بارگیری LNG قطر در نوامبر به طور میانگین روزانه ۱۳ تا ۱۵ محموله بوده است؛ بهبودی نسبت به اکتبر اما هنوز تقریبا نصف سطح پیش از جنگ. بنابراین حتی در حوزه LNG، که یکی از حساس‌ترین بخش‌های تجارت انرژی خلیج فارس است، ادعای بازگشایی کامل، کاملا نادرست است؛ آن هم در حالی که به گفته نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، قطر یکی از چهار کشوری است که از ایران مجوز ویژه عبور و مرور از تنگه هرمز دریافت کرده است.

■ چرا LNG آمریکا جایگزین LNG قطر نیست؟

سرمایه‌گذاری قطر در LNG آمریکا، ریسک قیمت و درآمد را کاهش می‌دهد اما مشکل اصلی را حل نمی‌کند. LNG. آمریکایی باید از بنادر و مسیرهای اقیانوسی آمریکا حرکت کند، در حالی که LNG قطر از راس لفان و از میان هرمز عبور می‌کند. اگر هرمز دوباره کاملا به روی قطر بسته شود یا حملات تشدید شود، LNG آمریکایی نمی‌تواند فورا جایگزین LNG قطر در قراردادهای آسیا و اروپا شود؛ چون ظرفیت، مسیر، زمان تحویل و زنجیره قراردادها متفاوت‌اند. این نکته دقیقا همان چیزی است که ادعای آمریکا درباره بازگشایی هرمز را شکننده می‌کند. عبور نفت خام، جایگزین عبور LNG، هلیوم، کود و کانتینر نیست.

هلیوم یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها برای نشان دادن این واقعیت است که هرمز فقط نفت خام نیست. قطر حدود یک سوم هلیوم جهان را تامین می‌کند و تولید آن پس از حملات ایران متوقف شده بود. هلیوم برای نیمه‌رساناها، کالاهای الکترونیک مصرفی و دستگاه‌های ام‌آرآی حیاتی است. سهم قطر از هلیوم وارداتی تایوان از حدود ۸۸ درصد در نیمه نخست ۲۰۲۵ به حدود ۳۰ درصد در نیمه نخست ۲۰۲۶ افت کرده و سهم آمریکا به نزدیک ۶۰ درصد رسیده است. تغییر منبع تامین هلیوم از قطر به آمریکا، جایگزینی پرهزینه و ناقص است، نه نشانه بازگشت به عادی. بنابراین حتی اگر نفت خام از هرمز عبور کند، هلیوم قطر هنوز به سطح عادی برنگشته است.

■ کود شیمیایی؛ زنجیره‌ای که خط لوله جایگزین ندارد

کود شیمیایی از نظر ساختار تجاری حتی شکننده‌تر از نفت خام است، چون خط لوله جایگزین ندارد و بخش بزرگی از تجارت جهانی آن از خلیج فارس یا از مسیر هرمز عبور می‌کند. تنگه هرمز محل عبور دست‌کم ۲۰ درصد صادرات جهانی کود، ۴۶ درصد صادرات اوره و حدود ۳۰ درصد صادرات آمونیاک است. گوگرد نیز ماده اولیه کلیدی تولید کود فسفاته، محسوب می‌شود. پس از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد در ۲۸ خرداد، صادرات گوگرد از هرمز به حدود ۶۴۰ هزار تن و اوره به ۴۲۷ هزار تن رسیده است. اما حدود ۶۰۰ هزار تن اوره و ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تن گوگرد همچنان در خلیج فارس مانده‌اند. این یعنی حتی در حوزه کود هم «بازگشایی» کامل وجود خارجی ندارد.

■ پتروشیمی؛ افت عمیق‌تر از نفت خام

داده‌های سازمان ملل نشان می‌دهد صادرات متانول خاورمیانه ۸۰ درصد، اوره ۸۳ درصد و آمونیاک ۷۵ درصد نسبت به آوریل سال پیش کاهش یافته است. حتی پلی‌پروپیلن، که کمترین افت را داشته، ۲۴ درصد کم شده است. این نشان می‌دهد اختلال هرمز فقط «انرژی» نیست؛ به پلاستیک، بسته‌بندی، نساجی، دارو و صنایع مصرفی هم می‌رسد. ۴۰ تا ۵۰ درصد واردات، صادرات و ترانزیت اعضای اتحادیه صنعت شیمی هند در معرض ریسک قرار گرفته است.

کشورهای خلیج فارس فقط صادرکننده نیستند بلکه بسیار واردات محورند. امارات ۸۹ درصد غذا وارداتی دارد و عمان ۷۲ درصد. رویترز گزارش داده واردکنندگان خلیج فارس برای غذا، دارو و مواد کارخانه‌ای به دنبال مسیرهای جایگزین‌اند و بحران هرمز بزرگ‌ترین چالش امنیت غذایی منطقه از بحران غذایی ۲۰۰۸ است. عربستان حدود ۵۹ درصد واردات غذایی خود را از هرمز می‌گذراند اما بندرهای دریای سرخ جایگزین نسبی دارد. با این حال، باب‌المندب هم به دلیل محاصره دریایی انصارالله یمن پرریسک است. بنابراین حتی کشورهایی که مسیر جایگزین دارند، هم امن نیستند.

■ هزینه حمل و بیمه؛ شاخصی که «عادی شدن» را رد می‌کند

فایننشال تایمز اخیرا گزارش داده کرایه نفتکش‌های VLCC برای عبور از هرمز به حدود ۱.۳ میلیون دلار در روز رسیده و بیمه ریسک جنگی ۶ تا ۱۰ درصد ارزش بدنه کشتی است. برای یک سوپرتانکر، این می‌تواند تا ۲۰ میلیون دلار در هر سفر باشد. برآورد مبتنی بر داده‌های بلومبرگ نشان می‌دهد کرایه VLCC خاورمیانه-چین حدود ۲۴.۴ تا ۲۷ دلار در هر بشکه، بیمه جنگی سه تا پنج دلار و عوارض، انتقال شناور به شناور و هزینه‌های سرمایه‌ای دو تا چهار دلار است. جمعا حدود ۲۹ تا ۳۶ دلار در هر بشکه، در برابر یک تا دو دلار پیش از جنگ. این ارقام نشان‌دهنده ده‌ها برابر شدن هزینه‌ها هستند. مجموع این هزینه‌ها ده‌ها دلار روی قیمت هر بشکه نفت خام عبوری از تنگه هرمز اضافه می‌کند.

وضعیت فعلی در تنگه هرمز به وضوح نتیجه تجاوز نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران در ۹ اسفند ۱۴۰۴ است. با این حال تمامی این مسائل بازگشت‌پذیر هستند. هر چند مقام‌های جمهوری اسلامی ایران به صورت مکرر اعلام کرده‌اند که مدیریت تنگه هرمز پس از جنگ هرگز به شرایط پیش از ۹ اسفند بازنخواهد گشت، اما این موضع به معنای بازگشت شرایط کشتیرانی تجاری به حالت عادی نیست.

در واقع ایران چه در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و چه در توافق با عمان، به روشنی ساز و کار تردد عادی و امن کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز را مشخص کرده است، با این حال آغاز اجرای فرآیند اداره جدید تنگه هرمز و از سرگیری تردد عادی کشتی‌های تجاری از این آبراه، نیازمند رعایت تعهدات آمریکا به ویژه اصل پایان قطعی و دائمی جنگ در تمامی جبهه‌ها است.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تاکید کرده است که در چارچوب پیشنهاد جدید، تهران آماده است تنگه هرمز را ظرف دو روز بازگشایی کند، اما فقط به شرطی که واشنگتن شرایط هفت‌گانه ایران از جمله آزادسازی دارایی‌های مسدود، کاهش تحریم‌ها و لغو محاصره دریایی بنادر ایران را بپذیرد.

در چنین شرایطی، پس از ۹ ماه تلاش ناکام ایالات متحده آمریکا برای بازگشایی تنگه هرمز از طریق نظامی، تنها راه باقی مانده برای واشنگتن، بازگشت به میز مذاکره و استفاده از راهکاری دیپلماتیک برای بازگشایی این آبراه کلیدی تجارت جهانی است.

ایالات متحده آمریکا با انتخاب جنگ و تجاوز نظامی علیه ایران، وضعیت فعلی در تنگه هرمز را رقم زده است، شرایطی که استمرار آن اقتصاد جهانی را بیش از پیش تحت فشار قرار می‌دهد. با این حال واشنگتن همچنان فرصت دارد تا با پذیرش شکست در میدان نظامی، به راهکار دیپلماتیک روی بیاورد و از طریق توافق دیپلماتیک اجازه دهد که شرایط تردد از تنگه هرمز به وضعیت عادی بازگردد.

در ماه‌های گذشته ممکن است اندکی نفت خام بیشتر از تنگه هرمز عبور کرده باشد اما تا وقتی گاز طبیعی مایع، هلیوم، اوره، متانول، کانتینر و دارو با هزینه و ریسک جنگی بسیار بالاتر از گذشته جابه‌جا می‌شود و بخش بزرگی از تجارت فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی متوقف شده است، ادعای بازگشت شرایط به پیش از جنگ گزافه است. نهایتا تنها راهکار موجود برای عادی‌سازی تردد در تنگه هرمز، راهکار دیپلماتیک است و تا وقتی جنگ پایان نیابد، بازگشایی پایدار هرمز هم ممکن نیست.

مدیرعامل روس‌اتم:

روابط ایران و روسیه در برابر هرگونه فشار خارجی مستحکم است



مدیرعامل شرکت روس‌اتم تاکید کرد: هم پروژه نیروگاه اتمی بوشهر و هم روابط دوستانه ایران و روسیه در برابر هرگونه فشار خارجی مستحکم است و این موضوع به ویژه پس از حملات آمریکا و رژیم اسرائیل به ایران اثبات شد.

الکسی لیخاچف در گفت‌وگو با خبرگزاری وستی متعلق به رادیو و تلویزیون روسیه افزود: در سال جاری میلادی، پروژه نیروگاه اتمی بوشهر در جریان حملات نظامی و هوایی آزمون پایداری را پشت سر گذاشت.

وی اظهار کرد: پس از هماهنگی با مقامات ایرانی، اکثر متخصصان ما سایت نیروگاه اتمی بوشهر را ترک کردند؛ رئیس جمهور روسیه نیز از نزدیک این رویدادها را زیر نظر داشت و از طریق تماس‌های بین‌المللی خود، ایمنی هم تاسیسات و هم متخصصان ما را تضمین کرد. مدیرعامل شرکت روس‌اتم خاطرنشان کرد: ما هرگز تردید نداشتیم که این پروژه در اولویت‌های این شرکت باقی خواهد ماند و اینکه پس از این وقایع، دوستی میان روسیه و ایران تحکیم خواهد شد.

این رسانه روس در ادامه نوشت: لیخاچف پیش از این تاکید کرده بود که پروژه توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز در ایران، همچنان یکی از اولویت‌های این شرکت دولتی روسیه است. لیخاچف که شرکت متبوع وی در حال ساخت واحدهای دو و سه نیروگاه اتمی بوشهر است، ۲۲ آبان ۱۴۰۵ نیز اعلام کرده بود: در حال حاضر تعداد کارکنان رو به افزایش است. هم اکنون ۱۸۰ نفر در محل حضور دارند و قصد داریم در آینده نزدیک این تعداد را به ۳۰۰ نفر برسانیم زیرا در حال حاضر هیچگونه خطری که موجب کندی احتمالی فعالیت‌های ما شود، مشاهده نمی‌کنیم.

کابوس ۸۸ زن فلسطینی در اسارت صهیونیست‌ها

از حبس زنان باردار تا شکنجه بیماران سرطانی



دفتر رسانه‌ای امور اسیران فلسطینی گزارش کرد که ۸۸ زن فلسطینی در زندان دامون رژیم صهیونیستی در بازداشت به سر می‌برند. این افراد شامل ۲۱ بازداشتی تحت بازداشت اداری، سه فرد زیر سن قانونی، دو زن مبتلا به سرطان، یک زن مبتلا به بیماری آلزایمر و یک زن دارای معلولیت هستند. این دفتر در بیانیه‌ای اعلام کرد که زنان بازداشت شده با موارد مداوم نقض حقوق مواجه‌اند؛ از جمله حبس در سلول انفرادی، سرکوب، بی‌توجهی پزشکی و محدودیت در دسترسی به خدمات درمانی، پوشاک و پتو. همچنین گزارش شده است که براء ابوالخدیجه، زن فلسطینی بازداشت‌شده، با وجود اینکه پنج ماهه باردار است، همچنان در بازداشت به سر می‌برد.

■ وخیم‌تر شدن شرایط برای بازداشت‌شدگان بیمار

این دفتر اضافه کرد که از ادامه تحصیل بازداشت‌شدگان زیر سن قانونی جلوگیری می‌شود؛ در حالی که وضعیت بازداشت‌شدگان بیمار نیز به دلیل شیوع بیماری‌های پوستی، سرمای هوا و نبود مراقبت‌های بهداشتی و درمانی کافی، رو به وخامت است.

کمیسیون امور اسیران و آزادگان فلسطینی در ماه نوامبر (آبان) گزارش کرد که ۸۲ زن در زندان دامون نگهداری می‌شوند؛ علاوه بر این، بشری الطویل نیز در بازداشت به سر می‌برد که در شرایط انفرادی در خارج از زندان اصلی نگهداری می‌شد. این کمیسیون همچنین از بی‌توجهی پزشکی و شیوع بیماری در میان زندانیان خبر داد. این کمیسیون همچنین مستنداتی از سرکوب زنان اسیر در داخل زندان در اکتبر (مهر/آبان) ارائه کرد که شامل دستبند زدن، ضرب‌وشتم فیزیکی و شلیک گاز اشک‌آور به داخل اتاق‌های آنها بوده است.

■ خشونت‌ها پیرامون محدودیت‌های مربوط به حجاب

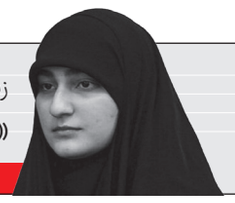
دفتر رسانه‌ای امور اسیران فلسطینی در ۱۷ نوامبر (۲۶ آبان) اعلام کرد که زنان فلسطینی محبوس در زندان دامون با خشونت فیزیکی و ارعاب مواجه هستند و از سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی خواست تا برای محافظت از این افراد مداخله کنند.

براساس گزارش‌ها، مقام‌های زندان‌های رژیم صهیونیستی اسیرانی را که در جریان به‌روزرسانی پرونده‌های زندان از عکس‌برداری بدون حجاب خودداری کرده بودند، مورد ضرب‌وشتم قرار دادند. در این گزارش آمده است که رئیس زندان به زور حجاب یکی از اسیران را برداشت، به صورت او سیلی زد و او را به داخل اتاق عکس‌برداری هل داد.

این دفتر ضمن محکوم کردن این رفتار به عنوان تعرض به کرامت اسیران، از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان ملل خواست تا درباره این حوادث تحقیق کرده و اقدام‌های فوری انجام دهند.

این دفتر همچنین ماه گذشته گزارش داده بود که مقام‌های زندان‌های رژیم صهیونیستی خشونت علیه زنان اسیر فلسطینی، از جمله زنان باردار و سالمند را تشدید کرده‌اند. حجاب تعدادی از اسیران به زور برداشته شد و ۱۷ زن نیز در شرایط انزوا قرار گرفتند. پس از آن، نگهبانان زندان این زنان را به اتاق‌هایی بازگرداندند که مملو از گاز اشک‌آور بود.

آنها همچنین در اتاقی که ۱۵ اسیر در آن حضور داشتند، اسپری فلفل پاشیدند که به استفراغ تعدادی از این زنان منجر شد. یکی از اسیران سالمند باید به بیرون حمل می‌شد و یکی دیگر نیز توانایی راه رفتن نداشت.



زینب سلیمانی:
«کوچ» به واقعیت زندگی حاج قاسم وفادار است

شعار سومین دوره جایزه ملی روایت پیشرفت انتخاب شد



«روایت کن از این ققنوس بر بام جهان، ایران» سروده قاسم صرافان به عنوان شعار سومین دوره جایزه ملی روایت پیشرفت انتخاب شد.
شعار رسمی سومین دوره این رویداد ملی با تکیه بر خرد جمعی، مشارکت عموم علاقه‌مندان، اهالی رسانه، پژوهشگران و شاعران برگزیده شد. بر اساس فراخوان عمومی دبیرخانه که از ۲۶ مهر لغایت ۱۱ آبان برگزار شده بود، صدها شعار و عبارت پیشنهادی از سوی کنشگران و دغدغه‌مندان عرصه روایت پیشرفت به دبیرخانه رسید که پس از ارزیابی و بررسی‌های کارشناسی، عبارت حماسی و رسای «روایت کن از این ققنوس بر بام جهان، ایران» سروده شاعر انقلابی، قاسم صرافان، به‌عنوان شعار محوری سومین دوره جایزه ملی روایت پیشرفت انتخاب شد.
جریان روایت پیشرفت که در سومین دوره خود با گذر از یک رویداد مقطعی به دبیرخانه‌ای دائمی و ساختاری مردمی‌محور (در ۱۲ بخش تخصصی و با تمرکز بر محورهای کلیدی همچون جنگ تحمیلی سوم و جهاد تبیین) تبدیل شده است، با این شعار تلاش می‌کند تا تصویر عینی برخاستن، تاب‌آوری، خودباتکایی و دستیابی ایران اسلامی به قله‌های پیشران علمی، فناورانه و تمدنی را در ابعاد ملی و بین‌المللی به تماشا بگذارد. انتخاب این شعار، گامی تازه در جهت ایجاد هم‌افزایی میان اصحاب فرهنگ و پیشران‌های میدان سازندگی است تا با دمیدن روح امید و اصالت تلاش در جان جامعه، روایتگر راستین اقتدار بومی ایران در جغرافیای جهان باشند.

«آتریا» با روایتی زنانه در رویداد ملی «ایران‌دخت» اجرا می‌شود



نمایش «آتریا» به نویسندگی و کارگردانی فاطمه سارنج، در بخش پرفورمنس نخستین رویداد ملی هنرهای نمایشی «ایران دخت» به روی صحنه می‌رود. این اثر که نگاهی نو به مفهوم ایستادگی و مقاومت دارد، با تکیه بر توانمندی نسل جوان تئاتر کشور تولید شده و به تهیه‌کنندگی زینب شکوهی و مدیریت تولید مرضیه کیان، روایتی از «خواستن» و «هنر» را در دل بحران‌ها به تصویر می‌کشد.
این نمایش که در قالب یک اثر میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از تکنیک‌های نمایشی-حرکتی طراحی شده است، پنج‌شنبه پنجم آذر، ساعت ۱۹:۳۰ در تالار اندیشه حوزه هنری به روی صحنه می‌رود. همچنین علاقه‌مندان جهت تهیه بلیت این اجرا می‌توانند به سایت تیوال مراجعه کنند.
نخستین رویداد ملی هنرهای نمایشی «ایران دخت» به دبیری مریم شعبانی، با محوریت هویت فرهنگ ایرانی و زنان مقاومت، از ۳ تا ۹ آذر در تهران برگزار می‌شود و «آتریا» در این رویداد، تلاش دارد تا دردی جمعی را به شکوهی ابدی پیوند دهد.

با «راز قبر میرزا» میرزا کوچک‌خان جنگلی را بشناسید



به گزارش آگاه، رمان «راز قبر میرزا» نوشته فاطمه سادات مدنی، داستان گروهی از دختران نوجوان را روایت می‌کند که در سال ۱۳۵۷ و در محله سلیمان‌داراب رشت، تصمیم می‌گیرند به‌جای تماشای تحولات سیاسی و اجتماعی زمانه خود، در آن نقش داشته باشند.
شخصیت‌های این داستان با علاقه به میرزا کوچک‌خان جنگلی و آرمان‌های او بزرگ شده‌اند. آنها از مادربزرگ‌هایشان روایت‌هایی درباره زنانی شنیده‌اند که سال‌ها پیش در کنار میرزا کوچک‌خان و هم‌دوش مردان برای آزادی مبارزه کرده‌اند. همین خاطره‌ها و روایت‌های خانوادگی، انگیزه‌ای برای دختران نوجوان می‌شود تا خود را ادامه‌دهنده راه آن زنان بدانند و سهمی در اتفاقات زمانه‌شان داشته باشند.
اما ورود به مسیر مبارزه برای این دختران آسان نیست. آنها در جریان تصمیم‌های خود با مخالفت‌ها، خطرها و اتفاقات پیش‌بینی‌نشده روبه‌رو می‌شوند؛ موانعی که دوستی و اراده‌شان را به آزمون می‌گذارد. با وجود دشواری‌ها، دختران تلاش می‌کنند از تصمیم خود عقب‌نشینی نکنند و نشان دهند که در روزهای سرنوشت‌ساز تاریخ، نوجوانان نیز می‌توانند با انتخاب‌ها و کنش‌های خود نقش‌آفرین باشند.
در بخشی از این رمان، راوی با حضور در قبرستان و مشاهده تغییراتی در وضعیت قبر میرزا، به ماجرایی مشکوک پی می‌برد. او در حالی که احساس می‌کند کسی مراقب حرکاتش است، اعلامیه‌هایی را از کنار قبر برمی‌دارد و از آنجا دور می‌شود؛ بخشی که فضای معمایی و تعلیق داستان را به مخاطب منتقل می‌کند.
«راز قبر میرزا» در کنار پرداختن به موضوعاتی همچون دوستی، شجاعت، مسئولیت‌پذیری و نقش دختران در تحولات اجتماعی، از عناصر معمایی و حادثه‌ای نیز برای پیشبرد روایت بهره می‌گیرد. این کتاب نوشته فاطمه سادات مدنی، در ۱۱۸ صفحه و قطع پالتویی، با جلد نرم و در سال ۱۴۰۵ در نخستین نوبت چاپ از سوی انتشارات میخ منتشر شده است.

روایت استواری مادران شهدا در سالروز وفات حضرت ام‌البنین (س)

مادران ام‌البنینی ایـــــران



مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ: مادری در منطق تاریخ، صرفا یک عاطفه غریزی و زاینده نیست؛ سنگری ناپیداست که تمدن‌ها هنگام فروپاشی بر ستون‌های استوار آن تکیه می‌زنند. حضرت ام‌البنین (س) در خاک بقیع ایستاد و پیش از نام چهار پسر رشید خود، از سرنوشت کاروان پرسید تا به ما بیاموزد سوگ می‌تواند به حماسه‌ای بیدارکننده بدل شود. در تبار این زن، مادران دیگری قد کشیدند که جغرافیای معاصر این خاک را از هیاهوی ویرانی عبور دادند. مادرانی که نه در حرف، بلکه در متن سخت‌ترین هجوم‌ها، پاره‌های تن خود را به آغوش خدا سپردند و زبان به شکواییه نگشودند. چه در هشت سال دفاع مقدس و چه در هجوم سهمگین جنگ ۴۰ روزه اخیر، این مادران ستون خیمه ایستادگی بودند. روایت طاهره سرباز که در یک نیمه‌شب هشت تن از اهل خانه و فرزندانش پرکشیدند، قله صبری است که فهم محاسبات مادی روزگار از درک وسعت و آرامش آن عاجز مانده است.

اگر بخواهیم ژرفای استقامت مادرانه را بکاویم، ناگزیریم از دروازه‌های تاریخ بگذریم و به نقطه‌ای بازگردیم که زنی در سکوت بقیع، مرزهای واکنش غریزی به سوگ را جابه‌جا کرد. فاطمه کلابیه، مشهور به ام‌البنین، وقتی فرستاده مدینه از راه رسید، نپرسید عباس من کجاست و نپرسید جعفر و عبدالله و عثمان به کدامین خاک افتادند. کلام او متوجه حقیقت کلان‌تری بود؛ از امام چه خبر داری؟
این فراز از تاریخ، آغاز مکتبی تازه در هویت‌بخشی به زن مسلمان بود. زنی که پیوند خود با فرزندانش را از یک دلبستگی خونی و خانوادگی به یک آرمان بلند ارتقا داد. او نشان داد که مادری، به دنیا آوردن و بزرگ کردن نیست؛ بلکه پرورش جان‌هایی است که در لحظه ضرورت، سپر بلای حق شوند. حضرت ام‌البنین (س) چهار سروران را به مسلخ آزادگی فرستاد و وقتی کاروان بی‌علمدار برگشت، مرثیه‌هایی سرود که به جای ترحم‌طلبی، وجدان‌های خفته جامعه را شلاق می‌زد. این میراث هویتی در طول سده‌ها خاموش نشد و سرانجام در قرن حاضر، روی دوش مادرانی نشست که در این سرزمین زندگی می‌کنند.

شامگاه اسفند و انفجار نور در خانه طاهره سرباز

در جنگ ۴۰ روزه اخیر، دشمن تصور می‌کرد با موشک‌های مدرن و شلیک‌های کور به دل خانه‌های مسکونی می‌تواند اراده یک ملت را فرو بریزد. در یکی از تاریک‌ترین شب‌های این تجاوز، خانه‌ای هدف قرار گرفت که گویی قرار بود آینه تمام‌نمای همان صبر تاریخی شود. ساعت یازده و نیم شب بیست و هفتم اسفند، وقتی اعضای یک خانواده پس از ساعتی گفت‌وگو گرد هم آمده بودند، غرش موشک‌ها سقف خانه را شکافت و سکوت شب به خون‌هایی مطهر آغشته شد.
طاهره سرباز، مادری که سال‌ها در قزوین با نان حلال و ایمان زیسته بود، در آن نیمه‌شب هشت پاره از تن خود را به مسلخ دید. این سوگ چنان عظیم و ناگهانی بود که هر ستونی را درهم می‌شکست. دکتر مهدی رستمی، فرزند برومند و دانشمند این مادر که سال‌ها گمنام در سنگر علم کوشیده بود، همراه همسر مؤمن خود منظرالسادات زرآبادی و فرزندان نوجوان و کودک خانه، یعنی علی، فاطمه، زینب و حنانه در کنار هم عروج کردند. در این هجوم، حتی نوه‌های معصوم خانه نیز در امان نماندند؛ محمدحسن هفت‌ساله و نوزاد ۲۲ روزه‌ای به نام محمدعلی که پیکر کوچکش سندی جهانی از درندگی متجاوزان شد. هشت انسان پاک، هشت صدای خنده و زندگی، در یک لحظه به خاکستر بدل شدند.

مادری که نماد پایداری شد

تصور متعارف انسان امروزی از مادری که هشت تن از جگرگوشه‌های خود را در یک شب از دست داده، فروریفتن در گرداب افسردگی، دادخواهی‌های منفعلانه یا فروریختن کامل روان آدمی است. اما طاهره سرباز چهره دیگری از زن مؤمن ایرانی را آشکار کرد. او نه تنها زیر بار این کوه اندوه خم نشد، بلکه چادر بر کمر بست و خود به نماد خروش و پایداری جامعه بدل شد.
وقتی این مادر در محافل عمومی و در گردهمایی‌های مردم حاضر می‌شود، سخنانش پژواک دارد. او در سخنرانی‌های پس از حادثه و در آیین هفته هنر، با آرامشی حیرت‌انگیز رو به حاضران گفت: «ما فرزندانمان را از دست نداده‌ایم، بلکه آنان را برای یک زندگی زیباتر ذخیره کرده‌ایم.» او از جمله‌ای نغز از سید شهیدان اهل قلم یاد کرد که زندگی زیباست، اما شهادت زیباتر است؛ کلامی که مرهمی بر داغ‌های التیام‌ناپذیر تنهایی او شد.
طاهره سرباز در همان محفل، خاطره‌ای آموزنده از سال ۶۰ تعریف کرد؛ روزهایی که پس از فاجعه هفتم تیر و شهادت شهید بهشتی، مصاحبه مادر صبور آن شهید بزرگوار را شنیده بود. آن مادر مؤمن از مراقبت‌های معنوی، وضو داشتن هنگام شیردهی و انوار قرآن در دوران بارداری گفته بود. طاهره سرباز نیز همان مکتب را برگزید تا نسلی از فرزندانی تربیت کند که حتی دوستان صمیمی‌شان از جایگاه بالای علمی آنان باخبر نبودند و تنها پس از شهادت‌شان، پرده از گمنامی آنان برداشته شد. این مادر، همان زنی است که در خیابان ایستاد و خطاب به سرداران و مدافعان امنیت گفت: «شما میدان را حفظ کنید، ما خیابان را نگه می‌داریم.»

ریشه‌های مقاومت در کارنامه مادران دفاع مقدس

استواری امثال طاهره سرباز در جنگ ۴۰ روزه، برآمده از خاکی حاصلخیز است که بیشتر هزاران مادر صبور در دفاع مقدس آن را آبیاری کرده بودند. تاریخ هشت سال جنگ تحمیلی سرشار از فداکاری‌های شگفت‌آوری است که نظیر آن در هیچ جنگ معاصری دیده نشده است. طبق آمارهای رسمی و دقیق بنیاد شهید، در طول دوران جنگ، بیش از هشت هزار مادر ایرانی دو شهید تقدیم کشور کردند؛ زنانی که پس از تشییع فرزند نخست، خودشان با دستان لرزان کاسه آب پشت سر دومین پسر ریختند.
فراتر از این، آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۵۰۰ مادر در ایران، داغدار سه فرزند شهید هستند. همچنین حدود ۸۶ مادر صبور، چهار شهید داده‌اند؛ مادرانی نظیر مادر شهیدان جوادنیا، مادر شهیدان بارفروش، مادر شهیدان افراسیابی و مادر شهیدان مظفر که فرزندان خود را یکی پس از دیگری به سنگرهای خط مقدم فرستادند. ده‌ها خانواده نیز وجود دارند که پنج، شش یا حتی هفت شهید را در راه تمامیت ارضی و مکتب حق نثار کرده‌اند.
این اعداد، صرفا ارقام خشک روی کاغذ نیستند. هر یک عدد، یعنی یک خانه که چراغش کم نور شد، یک صندلی خالی پشت میز شام، سال‌ها چشم انتظاری برای بازگشت پلاکی زنگ‌زده و مادری که چین و چروک پیشانی‌اش، خطوط جغرافیای غیرت این سرزمین است. این مادران، هنگامی که فرزندانشان در تابوت‌های چوبی با پرچم سه رنگ بازمی‌گشتند، نقل و نبات بر تابوت می‌ریختند تا به دشمن نشان دهند که تسلیم نشدن، بهایی دارد که آنان با اشتیاق آن را پرداخته‌اند.

معماران آرامش در روزهای سخت

جهان مادی همواره قدرت را در شمار تانک‌ها، دقت موشک‌ها و توان آتشبارها جست‌وجو می‌کند. اما آنچه یک جامعه را در میانه بحران‌های خانمان‌سوز سرپا نگه می‌دارد، روحی است که در کالبد آن جریان دارد. این روح را چه کسی در رگ‌های فرزندان یک ملت تزریق می‌کند؟ پاسخ روشن است: مادر.
اگر مادران شهدا در لحظات سرنوشت‌ساز مانع رفتن فرزندان خود می‌شدند، هیچ جبهه‌ای از رزمنده پر نمی‌شد. قدرت واقعی ایران در اراده این بانوان نهفته است. آنان مادری را از یک نقش فردی به یک ماموریت اجتماعی ارتقا دادند. طاهره سرباز وقتی به هنرمندان یادآور می‌شود که شما راویان پیشرفت این مرز و بوم هستید، نشان می‌دهد که این مادر، تنها در سوگ خانه خویش نمانده، بلکه در حال مهندسی فضای فکری جامعه پس از بحران است. او از جایگاه یک مادر داغدار هشت شهید، به راویان و اهل قلم نهیب می‌زند که اگر شما حقیقت را ننویسید، جای شهید و جلاد عوض می‌شود. این همان نگاه تمدنی و هوشمندی است که زن ایرانی را از دیگران متمایز می‌کند.



در خلوت گریستن و در جلوت ایستادن

یکی از درخشان‌ترین ابعاد شخصیتی این مادران، تعادل میان عواطف ناب زنانه و عزت ایمانی است. هیچ انسانی نمی‌تواند رنج مادری را که جگرگوشه‌اش را از دست داده انکار کند. طاهره سرباز و هزاران مادر دیگر، در نیمه‌های شب سجاده اشک پهن می‌کنند؛ آنان فرشتگانی هستند که برای قد و بالای فرزندانشان دلتنگ می‌شوند، اما هرگز اجازه ندادند این دلتنگی، دستمایه‌ای برای تضعیف جبهه حق شود.
آنان غم را به نیرو تبدیل کردند. خشم مقدس ناشی از جنایت متجاوزان در دل این مادران، به نوری از جنس آگاهی بدل شد. وقتی طاهره سرباز در مراسم‌های یادبود سخن می‌گوید، صدای او صدای زنی درهم‌شکسته نیست؛ بلکه طنین خطبه‌های حضرت زینب (س) در دربار ستمگران است. او اعلام می‌کند که دشمنان این ملت حتی از درک سرشت جوانان ما ناتوان هستند؛ جوانانی که رفاه دنیا را رها کردند تا از شرافت این خانه دفاع کنند.

تجدید میثاق با خورشیدهای بی‌غروب

تقویم وقتی به سالروز وفات حضرت ام‌البنین (س) می‌رسد، فقط یادآور یک واقعه تاریخی در بستر تاریخ اسلام نیست؛ روز پیوند همه دل‌های سوخته، اما سربلند با سرچشمه صبر است. تجلیل از این بانوان با توصیف‌های رسمی ممکن نمی‌شود. حق این مادران زمانی ادا خواهد شد که جامعه، قدر آرامش به دست آمده را بداند و بداند هر کوچه و خیابانی که در آن گام برمی‌دارد، مرهون خونی است که مادری رضایت داد خون فرزندش در راه حفظ کرامت کشور ریخته شود.
طاهره سرباز، نماد زنده این مقاومت در روزگار ماست. او با اهدای هشت تن از اعضای خانواده خود در جنگ ۴۰ روزه، حجتی آشکار برای نسل امروز شد تا فراموش نکنند تبار حضرت ام‌البنین (س) هنوز زنده است. نام او در کنار مادران صبور دفاع مقدس، در تار و پود هویت این خاک ثبت شده است. اگر توفان‌ها وزیده‌اند و این سرزمین فرو نریخته، به خاطر ستون‌هایی است که این مادران در خاک ایمان فرو برده‌اند؛ ستون‌هایی که با رفتن فرزندان، محکم‌تر شدند و تا ابد سرپا خواهند ماند.

درهم‌بودگی فرصت‌ها و آسیب‌ها در فضای مجازی

رسانه باید آگاهی‌بخش باشد

تهیه کننده «در مسیر رشد» با اشاره به رویکرد تحلیلی این برنامه عنوان کرد، بررسی چالش‌های تحولات اجتماعی و ارائه راهکارهایی برای ارتقای آگاهی و تحکیم بنیان خانواده از ویژگی‌های این برنامه است.
حسین روزبهانی، تهیه کننده برنامه «در مسیر رشد»، با اشاره به ضرورت تولید برنامه‌های اجتماعی و خانواده محور عنوان کرد: خانواده یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه است و تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فناوری، تأثیر مستقیمی بر سبک زندگی و روابط اعضای خانواده دارد. از همین رو، رسانه ملی می‌تواند با تولید برنامه‌های آگاهی بخش و کاربردی، نقش مؤثری در شناخت مسائل روز و ارائه راهکارهای مناسب برای مواجهه با آنها ایفا کند.



توجه به آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی در کنار فرصت‌های آن

وی افزود: «در مسیر رشد» با ساختاری مبتنی بر گفتمان تحلیلی و گفت‌وگو با کارشناسان و صاحب نظران طراحی شده است تا موضوعات و دغدغه‌های روز جامعه، به‌ویژه مسائل مرتبط با زنان، خانواده و نسل جوان، از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد. در این برنامه پگاه دیجوروان‌شناس به‌عنوان کارشناس مجری هدایت گفت‌وگوها و مباحث کارشناسی را بر عهده دارد.
روزبهانی با تأکید بر اهمیت سواد رسانه‌ای در شرایط کنونی اظهار کرد: گسترش شبکه‌های اجتماعی و گردش گسترده اطلاعات، در کنار فرصت‌های فراوان، آسیب‌ها و چالش‌هایی نیز به همراه داشته است. تشخیص اخبار نادرست، مقابله با شایعات، ارتقای قدرت تحلیل و تقویت تفکر نقادانه از جمله موضوعاتی است که در این برنامه مورد توجه قرار می‌گیرد.
وی گفت: تلاش ما این است که «در مسیر رشد» صرفاً به طرح مشکلات بسنده نکند، بلکه با فراهم کردن فضایی برای گفتگو و تبادل نظر، به افزایش آگاهی، تقویت مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت پذیری اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده کمک کند.

از اقتصاد تا فلسفه و مذهب، زیر ذره‌بین «در مسیر رشد»

تهیه کننده «در مسیر رشد» در ادامه به گستره موضوعات این برنامه اشاره کرد و افزود: مسائل اقتصادی خانواده و آینده بازارهای مالی، تحولات و چالش‌های اجتماعی، فرهنگ و هویت ملی، مباحث فلسفی و مذهبی، موضوعات روان‌شناختی، سلامت خانواده و تأثیر علم و فناوری بر زندگی امروز، از محورهای اصلی این برنامه به شمار می‌روند.
روزبهانی در پایان اظهار کرد: هدف نهایی «در مسیر رشد» ایجاد نگاهی آگاهانه‌تر به مسائل روز، حمایت از خانواده‌های ایرانی و فراهم کردن بستری برای آموزش، پرسشگری و شناخت بهتر فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی جامعه است؛ مسیری که در آن آگاهی، گفتگو و مسئولیت‌پذیری، سه رکن اساسی برای رشد فردی و اجتماعی محسوب می‌شوند.
برنامه «در مسیر رشد» به تهیه‌کنندگی حسین روزبهانی و با اجرای کارشناسی پگاه دیجوروان‌شناس، شنبه‌ها ساعت ۷:۳۰ از رادیو گفت‌وگو، موج اف‌ام ردیف ۱۰۳.۵ مگاهرتز، پخش می‌شود.



مرضیه برومند، دبیر سی‌ویکمین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان:

تعدادی از سرمایه‌داران از تئاتر کودک حمایت نکردند

دوشنبه/ ۲ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۷

بازخوانی گفت‌وگوی اختصاصی روزنامه «آگاه» با استاد مهدی گلشنی به بهانه درگذشت این فیزیکدان و اندیشمند فقید

فیلسوف فرهنگ و هویت



زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: مهدی گلشنی، چهره ماندگار فیزیک و فلسفه علم ایران، روز شنبه ۳۰ آبان چشم از جهان فروبست؛ استادی که کارنامه علمی‌اش از رتبه اولی دانشگاه تهران و دکتری دانشگاه برکلی تا نیم قرن تدریس به‌عنوان استاد ممتاز دانشگاه صنعتی شریف امتداد داشت، اما در پس تمام عنوان‌های دانشگاهی، قلبی نگران زبان، هویت و آینده فرهنگی نسل جوان می‌تپید. در روزوداع با او، بازخوانی گفت‌وگوی اختصاصی روزنامه «آگاه» با این استاد فقید، بیش از آنکه مروری بر مباحث فیزیک باشد، خواندن دغدغه‌های صریح او درباره مدرسه، دانشگاه، مهاجرت و معنای زندگی در ایران معاصر است.

برای فهمیدن اینکه چرا یک فیزیکدان تربیت شده در یکی از معتبرترین دانشگاه‌های آمریکا تا واپسین سال‌های عمرش بیش از هر معادله‌ای نگران «فرهنگ» و «هویت» بود، باید به نوجوانی او در اصفهان بازگشت.

از حجره‌های ادب اصفهان تا کلاس‌های برکلی و شریف

مهدی گلشنی متولد بهمن ۱۳۱۷ بود؛ نسلی که در سایه روشن سنت و تجدد قد کشید. او صبح‌ها در مدرسه فرهنگ و دبیرستان ادب اصفهان ریاضی می‌خواند و همزمان، پای درس‌های حوزوی، علوم ادبی، منطق و حکمت می‌نشست. همین هم‌نشینی زودهنگام «ادب و حکمت» با «ریاضی و فیزیک»، بافتی دوگانه به ذهن او داد و اجازه نداد علم را از ریشه‌های فرهنگی‌اش جدا ببیند.

مسیر علمی او از آغاز درخشان بود. پس از دیپلم ریاضی، وارد رشته فیزیک دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۹ رتبه اول رشته فیزیک و کل دانشکده علوم شد. پس از گذراندن دوره الکترونیک و فیزیک هسته‌ای در مراکز اتمی دانشگاه تهران، راهی آمریکا شد و دکترای فیزیک را در دانشگاه برکلی کالیفرنیا، زیر نظر چهره‌هایی درتراز پروفسور استیون واینبرگ، به پایان رساند. اما در سال ۱۳۴۹ به وطن بازگشت و در دانشگاه صنعتی شریف ماندگار شد؛ دانشگاهی که در سال ۱۳۶۴ به مرتبه استاد ممتازی آن رسید و در کنار عضویت اولیه در فرهنگستان علوم، ریاست گروه فلسفه علم و ۱۵ سال ریاست پژوهشگاه علوم انسانی، یکی از معدود پل‌های زنده میان علوم پایه، علوم انسانی و حکمت اسلامی شد.

امروز به بهانه درگذشت او، مرور گفت‌وگوی او رنگی تازه دارد. در آن گفت‌وگو، گلشنی نه در قامت یک مدیر، که همچون پیرمردی هوشیار و دلسوخته سخن می‌گفت که پنج دهه از عمرش را در تالارهای دانشگاه گذرانده و شاهد تغییر آرام اما عمیق روح فرهنگ ایرانی بوده است.

وقتی مهم‌ترین دغدغه یک فیزیکدان، «فرهنگ» از آب درمی‌آید

در ذهن بسیاری از مخاطبان، نام مهدی گلشنی با عبارت «علم و دین» گره خورده است؛ خبرنگار «آگاه» نیز در میانه‌های گفت‌وگو می‌پرسد آیا مهم‌ترین دغدغه‌تان درباره جامعه ایرانی همین رابطه علم و دین است؟ اما پاسخ استاد قاطع و غافلگیرکننده است: «خیر، مهم‌ترین دغدغه‌ام فرهنگ است.»

این پاسخ کوتاه، کلید فهم تمام زیست و اندیشه اوست. گلشنی در آن گفت‌وگو از شکافی سخن می‌گوید که هر ناظر دقیق‌بینی در خیابان‌های تهران لمس می‌کند؛ شکافی میان شعارهای رسمی و زیست روزمره مردم. او با تلخی دو روایت را یادآوری می‌کند؛ نخست خبرنگار شبکه سی‌ان‌ان که گفته بود «تهران آمریکایی‌ترین شهری است که دیده‌ام» و دوم عکاس فرانسوی که پایتخت را «شهری پر از تضاد» توصیف کرده بود؛ جایی که در یک سو یش شعارهای ضدغربی است و در سوی دیگرش تابلوها، غذاها و سبک مصرفی وام‌گرفته از غرب.

نقد گلشنی یک گلایه سطحی به ظواهر شهری نبود؛ او از نوعی «بی‌هویتی سرگردان» حرف می‌زد. به باور او، قرار بود راهی مستقل و متکی بر خویشتن طی شود، اما در عمل نه به پیشرفت و انضباط سازنده غرب رسیدیم، نه به خوداتکایی کشورهایی چون چین و ژاپن دست یافتیم و نه توانستیم فرهنگی زنده و اصیل از سنت اسلامی و ایرانی بسازیم. وقتی فرهنگ یک جامعه از اعتماد به نفس تهی شود، دانشگاه، مدرسه و انتخاب‌های نسل جوان نیز رنگ تقلید می‌گیرد.

«مشق‌نویسی» در دانشگاه

اگر بخواهیم یک جمله از گفت‌وگوی ماندگار دکتر گلشنی با «آگاه» را بر سردر نشست‌های آسیب‌شناسی دانشگاه ایران بیاویزیم، بی‌شک همان استعاره درخشان اوست: «ما داریم مشق می‌کنیم؛ سرمشق‌نویس نشده‌ایم.» گلشنی با این تعبیر، انگشت روی مزمن‌ترین درد فضای آکادمیک ایران می‌گذارد؛ درد «تقلید کمی‌گرا» که جای «خلاقیت و حل مسئله» را گرفته است.

او ریشه این انحراف را در آیین‌نامه‌هایی می‌دید که ترفیع اساتید را به چاپ مقاله «آی‌اس‌آی» گره زد و حتی برای همکاری با شریک غربی امتیاز مضاعف قائل شد. نتیجه، پارادوکسی تلخ بود؛ بیشترین مقالات ایرانی در رشته شیمی منتشر می‌شود، اما بیشترین واردات کشور هم در همین حوزه است! حتی در داروسازی، با وجود امکانات داخلی، قراردادها به سمت خرید مواد اولیه از خارج رفت و در حاشیه این جریان، بازار «فروش مقاله» روبه‌روی دانشگاه تهران شکل گرفت؛ زخمی عمیق بر حیثیت علم.

گلشنی برای نشان دادن قربانی شدن استعدادهای واقعی، داستان همکاری با مدرک لیسانس را تعریف می‌کند که کل کارگاه‌های دانشگاه صنعتی شریف را اداره می‌کرد و به پشتوانه نوآوری‌هایش استادیار شده بود. او پنج یا شش اختراع داشت و دکتر جواد صالحی، استاد نامدار برق شریف، به معاون رئیس جمهور نامه نوشته بود که دو اختراع او باید به‌صورت طرح ملی اجرا شود. اما این مخترع نه‌تنها ترفیع نگرفت، که بازنشسته شد؛ تنها به این جرم که مقاله آی‌اس‌آی نداشت!

گلشنی منتقدی بی‌خبر از جهان نبود. خودش در برکلی درس خوانده بود و می‌دانست در همان دانشگاه‌های غربی، نوشتن کتابی اثرگذار یا ساختن ابزاری برای رفع نیاز ملی، هم سنگ مقاله ارزش دارد. او حتی در جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجله «نیچر» را روی میز گذاشت تا نشان دهد در غرب هم این معیارها نقد شده است، اما کمیته بررسی بدون حضور او تشکیل شد و در سکوت بوروکراسی بی‌نتیجه ماند.

ریشه این وابستگی در نگاه او، نبود اراده برای خوداتکایی بود. خاطره کنفرانس سال ۱۳۶۲ «علم و امت و سیاست اسلامی» در پاکستان را نقل می‌کرد که وقتی به‌عنوان دبیر کنفرانس پیشنهاد داد بند «خودکفایی جهان اسلام» به قطعنامه اضافه شود، ناظران آمریکایی و انگلیسی با فشار آن را حذف کردند. در مقابل، از روایت پروفسور عبدالسلام درباره چین می‌گفت که چگونه با مهندسی معکوس و عزم ملی، از ۵۰۰ عالم سطح بالا به میلیون‌ها پژوهشگر رسید؛ بی‌آنکه چشم به تایید دیگران بدوزد.

زنگ خطر برای مدرسه

شاید انسانی‌ترین و در عین حال گزنده‌ترین بخش گفت‌وگو با مهدی گلشنی، آنجا باشد که از دیوارهای دانشگاه بیرون می‌آید و سراغ «آموزش و پرورش» می‌رود؛ نهادی که با صراحتی دردناک آن را «یله» و رها شده توصیف می‌کند. برای یک فیزیکدان بلندآوازه، دغدغه معیشت معلمان و حال و روز نوجوانان پشت نیمکت‌ها، نشانه همان نگاه جامع فرهنگی است.

او تصویری آشنا اما تکان‌دهنده روایت می‌کند: «بارها در فرودگاه مهرآباد، راننده تاکسی خود را دبیر آموزش‌وپرورش معرفی کرد.» از نگاه او، وقتی معلم زیر فشار معیشت ناچار به تاکسی‌رانی است، طبیعی است کسی نداند در دبیرستان‌ها چه می‌گذرد. او در گفت‌وگو با مؤلفان کتاب‌های درسی از سطح پایین مباحث شگفت‌زده شده و دیده بود بخش‌های موثر در ترویج هویت ملی و دینی، در سال‌های اخیر بی‌سروصدا از کتاب‌های درسی حذف شده‌اند.

دو خاطره او از دبیرستانی‌ها، مانند دو سکانس مستند از نسل جدید در ذهن می‌ماند. نخست، دیدار دانش‌آموزان سال سوم و چهارم دبیرستان تیزهوشان علامه حلی با او؛ نوجوانانی که به اندازه دانشجویان ارشد فیزیک معلومات داشتند، اما خیلی زود روشن شد پرسش‌های علمی‌شان تنها بهانه‌ای برای یک سوال عمیق‌تر و بی‌پاسخ بوده است: «اصلا چرا باید به خدا اعتقاد داشت؟ دانش‌آموز دبیرستان علامه حلی این سوال را می‌پرسد. با آنان بحث کردم. اصلا وضعیت جالبی نیست. باز دبیرستانی دیگر من را برای سخنرانی دعوت کرد. پس از اتمام آن از دبیران خواستم از دانشجویان بپرسند هدف از درس خواندن‌شان چیست؟ خندیدند و پاسخی نگفتند. زیرا چند دانش‌آموز ایستاده بودند. پس از آن به همراه دبیران برای صرف ناهار رفتیم. گفتند: چه می‌گویی؟ این دانش‌آموزان فقط یک سوال می‌کنند: به کدام دانشگاه ایران وارد شویم که بتوانیم از آمریکا و کانادا و انگلیس پذیرش بگیریم؟!»

خاطره دوم، تلخ‌تر و اجتماعی‌تر است. در دبیرستانی دیگر، پس از سخنرانی از دبیران می‌خواهد هدف دانش‌آموزان از درس خواندن را بپرسند. معلمان جلوی بچه‌ها سکوت می‌کنند، اما سرمیزناهار پرده را کنار می‌زنند: «چه می‌گویی؟ این دانش‌آموزان فقط یک سوال می‌کنند: به کدام دانشگاه ایران برویم که از آمریکا و کانادا و انگلیس پذیرش بگیریم؟»

انصاف نگاه گلشنی در ادامه همین بحث درباره مهاجرت نخبگان آشکار می‌شود. او اگرچه از جریان‌های بیرونی و تشویق برخی اساتید برای خروج دانشجویان چشم نمی‌پوشد، اما ماجرا را تک‌بعدی نمی‌بیند و صریح می‌گوید: «جاذبه داخلی نیست و دافعه است.» از دانشجوی نخبه و متعهد دکترای خودش یاد می‌کند که در ایران ماند، اما فشار معیشت او را ناچار به تدریس در مدارس متعدد کرد و پژوهش دکتری‌اش را مختل ساخت. در سوی دیگر، از پارتی‌بازی در جذب هیات علمی گلایه داشت و حتی رئیس پیشین شریف را به مناظره عمومی دعوت کرده بود تا با پرونده قبول‌شدگان نشان دهد چه نخبگانی به نفع افراد متوسط کنار گذاشته شده‌اند.

جهانی اندیشی با ریشه بومی و سخن گفتن با «زبان روز»

اگر کسی تنها نقدهای تند گلشنی به غرب‌زدگی دانشگاه‌ها را بخواند، ممکن است به خطا او را چهره‌ای منزوی بپندارد؛ در حالی که کارنامه واقعی‌اش دقیقا برعکس بود. گلشنی از اثرگذارترین متفکران معاصر ایران در جهان اسلام و محافل بین‌المللی علم و دین به شمار می‌رفت. کتاب «قرآن و علوم طبیعت» او با ترجمه عربی آیت‌الله تسخیری به لبنان و مصر رفت و شیخ محمد غزالی، عالم نامدار الازهر، دو صفحه با دست‌خط خود بر آن تقریظ نوشت و آرزو کرد وسیله بیداری امت اسلامی شود. این کتاب بیش از ۱۲ بار در اندونزی و بارها در مصر و تایلند چاپ شد، بیش از ۵۰ مقاله پژوهشی در اندونزی درباره آرای او نگاشته شد، در مالزی کتابی درباره اندیشه‌های او و نقیب العطاس منتشر شد و نامش در سال ۲۰۰۳ در جمع ۳۳ بنیان‌گذار «انجمن بین‌المللی علم و دین» ثبت شد. راز این اقبال جهانی، تسلط او بر «زبان روز» بود. گلشنی در این گفت‌وگو تاکید می‌کرد امروزه در میان سرآمدان علم در غرب، جریان جدی بازگشت به خداباوری شکل گرفته است؛ جریانی که از درک محدودیت علم تجربی می‌آید. او به زبان ساده یادآور می‌شد بشر امروز تنها پنج درصد کل ماده و انرژی جهان را می‌شناسد و ۹۵ درصد باقی‌مانده در قالب ماده و انرژی تاریک هنوز ناشناخته است؛ پس چگونه می‌توان با تکیه بر پنج درصد، تکلیف تمام عالم را معین کرد؟ او در کتاب «علم، خداباوری و دانشمندان معاصر غربی» نشان داده بود که دیدگاه برخی برندگان نوبل پزشکی درباره روح در جنین، چقدر به آرای علامه طباطبایی و شهید مطهری نزدیک شده است.

از همین رو، نسخه فرهنگی گلشنی، مواجهه عالمانه بود، نه شعار. او به آموزه «ادخلوا البیوت من ابوابها» استناد می‌کرد و دو الگو را پیش می‌کشید: نخست شیوه شهید مطهری که برای نگارش مباحث اقتصادی، اساتید مارکسیست و مسلمان را گرد هم آورد تا مسائل واقعی طرح شود و دوم اقدام پاپ ژان‌پل دوم که گروهی از کشیش‌ها را برای گرفتن دکترای فیزیک، زیست‌شناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی فرستاد تا با زبان دانش مدرن پاسخ دهند. حسرت گلشنی این بود که در ایران، کتاب‌های الحادی غرب مکررا ترجمه می‌شوند، اما پاسخ‌های عالمانه فیزیکدانان خداباور غربی به ندرت به دانشگاه‌های ما می‌رسد.

> مهم‌ترین دغدغه‌ام فرهنگ است که ما اصلا فرهنگ اسلامی نداریم، خدمت رهبر انقلاب هم یک بار در دیدار خصوصی‌مان عرض کردم خبرنگارسی‌ان‌ان که آمده بود، گفته بود: تهران آمریکایی‌ترین شهری است که من دیدم!

> مسئله آموزش و پرورش هم هست. آن هم نهادی یله است. البته یک دلیل این است که معیشت دبیران کفاف دهنده آنان نیست و ناچارند به امور دیگر از قبیل تاکسی‌رانی و... بپردازند

معلمی که کلاسش بعد از بازنشستگی هم تعطیل نشد

سال‌های پایانی زندگی مهدی گلشنی، تصویر استادی را کامل می‌کند که رسالتش با حکم اداری آغاز نشد و با بازنشستگی پایان نیافت. در سال ۱۳۹۷، با وجود آنکه استاد ممتاز بود و ۱۲۰۰ استاد و فارغ‌التحصیل در مخالفت با کنار گذاشتن او نامه امضا کردند، دوره همکاری‌اش تمدید نشد. او در گفت‌وگو با «آگاه» این اتفاق را برای خودش «برکت‌زا» اما برای کشور زیان‌بار دانست؛ چرا که پس از آن، مسیر نوآوری در گروه فلسفه علم تغییر جهت داد.

با این حال، نه بازنشستگی و نه روزگار همه‌گیری کرونا نتوانست چراغ معلمی‌اش را خاموش کند. در همان سال‌ها، ده‌ها سخنرانی مجازی برای دانشگاه‌های تهران، شیراز، مشهد و همدان برگزار کرد، از نوشتن با زنایستاد و با همت چند همکار دانشگاهی و حوزوی، پیگیر راه‌اندازی «انجمن علم و دین» بود؛ انجمنی که حتی برای اجاره دفترش نیز تکیه‌گاهی جز همان معلمان حقوق‌بگیر نداشت.

امروز مهدی گلشنی در میان ما نیست؛ او از تبار استادانی بود که دانشگاه را کارگاه ساختن انسان ریشه‌دار و خلاق می‌دانستند. شاید بهترین یادنامه برای این فیزیکدان فرهنگ‌دوست، جدی گرفتن همان پرسش‌هایی باشد که پیش پای ما گذاشت؛ پرسش‌هایی درباره معیشت معلم، هویت نوجوان، عدالت در دانشگاه و رویای روزی که فرهنگ و علم ایران به جای «مشق‌نویسی»، خود «سرمشق» روزگار شود.

برشی خواندنی از گفت‌وگوی «آگاه» با مهدی گلشنی درباره نسبت سیاست و دانشگاه

چهار دهه میان میز سیاست‌گذاری و دغدغه فرهنگ

مهدی گلشنی در کنار سال‌ها تدریس در دانشگاه، چندین دوره عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بود و از نزدیک رفتار دولت‌های مختلف را با نهاد علم و فرهنگ دید. او در بخشی از گفت‌وگوی اختصاصی با روزنامه «آگاه»، با صراحتی کم‌سابقه از تلخی شنیده نشدن حرف‌های کارشناسی در ساختار اداری و تجربه‌اش در چهار دوره ریاست‌جمهوری سخن گفته بود؛ روایتی که چهره مستقل و غیرمحافظه‌کار این استاد فقید را روشن‌تر نشان می‌دهد:

■ آیا با تغییر ترکیب شورای عالی انقلاب فرهنگی، به تحول در این نهاد امیدوار هستید؟

چنین چشم‌اندازی نمی‌بینم. جدیدها خوب‌اند اما از جهت بی‌تجربگی ناوارد‌ند؛ نه جوانی صرف. ما جوانی داریم که اطلاعاتش از صد تا پیر بیشتر است. افرادی که چندبعدی هستند موثرند. مسئله دیگر اینکه دولت قبل واقعا شورا را نابود کرد؛ انتخاب روسای دانشگاه‌ها را که قبلا در کل شورا بحث و تحقیق می‌شد، از شورا گرفتند و به یک کمیته چهارنفره دادند. اصلا به مصوبات شورا اهمیت نمی‌دادند و آقای روحانی برخی مصوبات را ابلاغ نمی‌کرد. بارها این ایرادات را گفته‌ام و همه را در یک پرونده دارم، اما گوش نمی‌داد.

■ تجربه شما از جایگاه شورا در دوره‌های پیشین، از دولت آقای هاشمی تا خاتمی و احمدی‌نژاد، چگونه بود؟

در دوره آقای هاشمی به شورا احترام گذاشته می‌شد و آن موقع دانشگاه‌ها این قدر افتضاح نبود. آقای خاتمی هم خودش انسان محترمی بود، اما وزرایش دخالت و هدایت می‌کردند. ۱۵ سال رئیس پژوهشگاه علوم انسانی بودم؛ سال ۷۹ بزرگ‌ترین کنگره سال امام علی (ع) را در پژوهشگاه برگزار کردیم و قرار بود ایشان افتتاح کند، اما اطرافیان رای او را زدند و سفر روسیه جور کردند. به ما گفت «به جدم قسم گفتم، اما گوش ندادند» و بعد در مصاحبه رسمی عذرخواهی کرد. در دوره آقای احمدی‌نژاد، او حرف‌های بی‌غرض را می‌شنید و خیلی از موارد را اجرا کرد؛ هرچند مشاورانش خوب نبودند. یک بار وزیر علوم وقت می‌خواست ۲۸ نفر از اساتید بسیار خوب شریف را بازنشسته کند؛ سه بار نزد رئیس جمهور رفتم تا مانع شوم. حتی در کمیته بررسی مقالات، کار به تندی وزیر با بنده کشید که دیگر آشتی نکردم.

■ نتیجه تلاش‌ها برای «تحول در علوم انسانی» را پس از گذشت بیش از یک دهه چطور می‌بینید؟

هیچ کار مهمی انجام نشد. باید اثر بیرونی‌اش را دید. چرا موثر نبود؟ چون شایسته‌سالاری مطرح نیست و افراد مناسب سرکار نبودند. از طرفی حواس‌شان فقط نباید به علوم انسانی باشد؛ یک زمانی الحاد فقط از فلاسفه بود، اما الان از دل علوم فیزیکی و زیستی بیرون می‌آید. اول باید حواس به علوم پایه باشد.

در محل تخریب شده دانشگاه شریف

«بیست میکرون دقت» رونمایی می‌شود



کتاب «بیست میکرون دقت» نوشته میلاد حبیبی، با حضور نویسنده، جمعی از فعالان و متخصصان حوزه فناوری و قهرمانان این اثر در دانشگاه صنعتی شریف رونمایی می‌شود.

به گزارش «آگاه» مراسم رونمایی از کتاب «بیست میکرون دقت» ساعت ۱۵ روز سه شنبه سوم آذر ۱۴۰۵ در دانشگاه صنعتی شریف برگزار خواهد شد.

در این برنامه، میلاد حبیبی، نویسنده کتاب و دکتر حمیدرضا مقصودی، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه قم، به بیان دیدگاه‌های خود خواهند پرداخت.

همچنین رشید قانعی، محمدمهدی حیدری، مرتضی قندهاری و مهدی شفیعی، قهرمانان روایت شده در کتاب، از حاضران این مراسم خواهند بود.

این مراسم در مقابل ساختمان تخریب‌شده مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICTC) دانشگاه صنعتی شریف در جریان جنگ تحمیلی سوم برگزار می‌شود.

حضور در این مراسم برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.

با محوریت کودکی و نوجوانی حاج قاسم

«کوچ» به روستاها و شهرهای فاقد سینما می‌رود

اکران مردمی فیلم سینمایی «کوچ» با محوریت دوران کودکی و نوجوانی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، از اول آذر در روستاها و شهرهای فاقد سینما آغاز می‌شود.

به گزارش «آگاه» فیلم سینمایی «کوچ» که از ۲۰ آبان اکران خود را در سینماهای کشور آغاز کرده است، از اول آذر از طریق طرح اکران مردمی عمار در مناطق فاقد سینما نیز به نمایش درمی‌آید.

این فیلم به روایت دوران کودکی و نوجوانی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی می‌پردازد و در چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر (۱۴۰۴) در ۱۲ رشته نامزد دریافت جایزه شد و دو سیمرغ بلورین و دو دیپلم افتخار کسب کرد. «کوچ» همچنین در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان موفق به دریافت سه پروانه زرین شد.

علاقه‌مندان می‌توانند با استفاده از ظرفیت اکران مردمی عمار، این فیلم را در مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، ادارات و سالن‌های فرهنگی شهرهای فاقد سینما و روستاها به نمایش بگذارند.

برای ثبت درخواست اکران، متقاضیان می‌توانند به نشانی اینترنتی https://ekranmardomi.ir/movie/Migration مراجعه کنند یا با شماره ۰۲۱۴۲۷۹۵۰۵۰ تماس بگیرند.

فیلم سینمایی «کوچ» به کارگردانی محمد اسفندیاری و تهیه‌کنندگی مهدی مطهر، محصول مکتب حاج قاسم است.



علی فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش:

مدارس باید آخرین گزینه برای تعطیلی در شرایط آلودگی هوا باشند

دوشنبـه/ ۲ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۷

این غذای پرمصرف دانشجویی هم برای چندمین بار گران شد

ماکارونی بالاخره چند؟

ماکارونی بدون گوشت، سیب‌زمینی، قارچ و مخلفاتی مانند ذرت و فلفل دلمه‌ای، تا همین چند وقت پیش یکی از غذاهای هفتگی خانواده‌هایی بود که توان مالی پخت غذاهای گوشتی و برنجی را نداشتند؛ غذایی ساده و نسبتا ارزان که هم در خانه‌های مجردی جای خود را داشت، هم غذای آشنای دانشجویان بود و هم برای خانواده‌های پرجمعیت راهی برای مدیریت هزینه‌های وعده‌های غذایی به شمار می‌رفت.

به گزارش «آگاه» ماکارونی حتی در قالب سالاد هم غذای اقتصادی محسوب می‌شد؛ ترکیبی از چند ماده اولیه ساده که می‌توانست یک وعده غذایی نسبتا کامل برای چند نفر فراهم کند. اما حالا افزایش ناگهانی قیمت این محصول، معادله را تغییر داده است. به نظر می‌رسد برخی خانوارها پیش از خرید یک بسته ماکارونی هم باید بیشتر فکر کنند؛ محصولی که زمانی برای کاهش هزینه‌های غذا خریداری می‌شد، حالا خودش به یکی از اقلام پرهزینه سبد خوراک تبدیل شده است. حتی تهیه سالاد ماکارونی نیز ممکن است برای بعضی خانواده‌ها به غذایی پرهزینه تبدیل شود آن هم بدون گوشت، قارچ، ذرت و دیگر مخلفات!

اما چرا قیمت ماکارونی در چنین مدت کوتاهی افزایش پیدا کرد؟ آیا گرانی اخیر نتیجه افزایش قیمت گندم است یا مجموعه‌ای از سیاست‌های قیمت‌گذاری، هزینه‌های تولید و شرایط بازار در این افزایش نقش داشته‌اند؟

برای پیدا کردن پاسخ، باید به ماده اولیه اصلی آن، یعنی گندم و آرد، بازگشت. ماجرا از جایی آغاز شد که سیاست قیمت‌گذاری گندم مصرفی صنایع تغییر کرد و دولت تصمیم گرفت گندم و آرد مورد استفاده در بخش صنف و صنعت را بر اساس قیمت تمام‌شده عرضه کند.

براساس توضیحات غلامرضا نوری‌قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی، نرخ هر کیلوگرم گندم مصرفی کارخانه‌های ماکارونی که تا پایان مهر با قیمت ۲۳ هزار و ۸۵۰ تومان تامین می‌شد، از ابتدای آبان به ۶۰ هزار تومان افزایش یافت. به این ترتیب، قیمت گندم مورد استفاده این صنعت حدود ۱۵۱ درصد بیشتر شد؛ یعنی کارخانه‌ها برای تامین ماده اولیه اصلی خود باید بیش از دو برابر گذشته هزینه کنند.

این تغییر در چارچوب ماده ۶۷ ضوابط اجرایی قانون بودجه سال ۱۴۰۵ انجام شده است؛ ماده‌ای که بر عرضه گندم و آرد مصرفی صنف و صنعت به قیمت تمام‌شده تاکید دارد. بنابراین افزایش اخیر قیمت ماکارونی را نمی‌توان صرفا تصمیم یک کارخانه یا یک تولیدکننده دانست بلکه باید آن را در ارتباط با تغییر سیاست تامین و قیمت‌گذاری مواد اولیه صنایع غذایی بررسی کرد.

نکته مهم این است که گندم مورد استفاده در تولید نان یارانه‌ای همچنان با نرخ ۹۰۰ تومان به نانوایی‌های مشمول تحویل داده می‌شود. به گفته وزیر جهاد کشاورزی، گندم مورد استفاده نانوایی‌های نیمه‌یارانه‌ای نیز با نرخ ۲۳ هزار و ۸۵۰ تومان تامین می‌شود. در واقع، سیاست دولت میان گندم مصرفی نانوایی‌های یارانه‌ای و گندم مورد استفاده کارخانه‌های صنعتی تفاوت قائل شده است که اکنون اثر آن در قیمت محصولاتی مانند ماکارونی، بیسکویت و نان صنعتی نمایان می‌شود.

ازگندم ۶۰ هزار تومانی تا آرد ۸۹ هزار تومانی

افزایش قیمت گندم تنها بخشی از ماجراست. در پی افزایش نرخ گندم، قیمت خرید آرد یکی از شرکت‌های تولید ماکارونی، از ۳۰۲ هزار ریال به ۸۸۹ هزار ریال به ازای هر کیلوگرم رسیده است؛ یعنی قیمت خرید هر کیلوگرم آرد از حدود ۳۰ هزار و ۲۰۰ تومان به ۸۸ هزار و ۹۰۰ تومان افزایش یافته است. این تغییر به معنای افزایش حدود ۱۹۴ درصدی هزینه خرید آرد است و این رقم نشان می‌دهد فشار ناشی از افزایش قیمت گندم چگونه به مرحله بعدی زنجیره تولید منتقل شده است.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم مواد اولیه در سال مالی گذشته حدود ۶۷ درصد بهای تمام‌شده تولید این برند از محصول ماکارونی را تشکیل می‌داد. بنابراین افزایش قیمت آرد و سایر مواد اولیه می‌تواند تاثیر قابل‌توجهی بر هزینه تولید این شرکت داشته باشد.

به بیان ساده، کارخانه‌ای که بخش عمده هزینه تولیدش به خرید مواد اولیه وابسته است، با افزایش چندبرابری قیمت آرد نمی‌تواند بدون تغییر در ساختار هزینه‌ها و قیمت فروش به فعالیت قبلی ادامه دهد. البته این موضوع به معنای آن نیست که تمام افزایش هزینه مواد اولیه باید به همان نسبت به مصرف‌کننده منتقل شود. میزان انتقال هزینه به قیمت نهایی، به ساختار تولید، موجودی مواد اولیه، بهره‌وری، هزینه‌های جانبی و تصمیمات قیمت‌گذاری بستگی دارد. این شرکت اعلام کرده است قیمت مصرف‌کننده ماکارونی رشته‌ای ۷۰۰ گرمی از ۷۸ هزار و ۵۰۰ تومان به ۱۵۹ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است.

به این ترتیب، مصرف‌کننده برای خرید یک بسته ماکارونی ۷۰۰ گرمی باید ۸۱ هزار تومان بیشتر از گذشته پرداخت کند. این افزایش در شرایطی اتفاق افتاده که ماکارونی برای بخشی از جامعه نه یک غذای تفننی، بلکه یکی از راه‌های مدیریت هزینه‌های روزمره سفره‌ها بوده است. اگرچه افزایش قیمت گندم و آرد مهم‌ترین عامل اعلام‌شده در گرانی اخیر ماکارونی است، اما هزینه تولید این محصول به خرید آرد محدود نمی‌شود.

رسول مژده شفق، سخنگوی انجمن صنفی کارفرمایان ماکارونی، در توضیح افزایش حدود ۳۱ درصدی قیمت این محصول در اردیبهشت ۱۴۰۵، هزینه‌هایی مانند بسته‌بندی، حمل‌ونقل، دستمزد و سربار تولید را از عوامل افزایش قیمت عنوان کرده بود. او تاکید کرده بود که آن افزایش قیمت، بدون احتساب افزایش نرخ گندم بوده است.

این توضیح نشان می‌دهد صنعت ماکارونی پیش از جهش اخیر قیمت گندم نیز با افزایش هزینه‌های تولید مواجه بوده است. برای مثال، افزایش قیمت سلفون و مواد بسته‌بندی، هزینه حمل مواد اولیه و محصولات نهایی، رشد دستمزد نیروی انسانی و هزینه‌های انرژی و نگهداری کارخانه‌ها همگی در قیمت تمام‌شده محصول نقش دارند. در نتیجه، گرانی اخیر را باید حاصل انباشته شدن چند فشار هزینه‌ای دانست که بخشی از آن به افزایش قیمت مواد اولیه و بخش دیگری به هزینه‌های جانبی تولید مربوط می‌شود.

افزایش قیمت چندباره

افزایش اخیر نخستین مرحله گرانی ماکارونی در سال جاری نیست. این محصول در ماه‌های گذشته نیز افزایش قیمت را تجربه کرده است. در اردیبهشت ۱۴۰۵، براساس تصمیم انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان ماکارونی، قیمت انواع محصولات این صنعت حدود ۳۱ درصد افزایش یافت. در آن مقطع، قیمت ماکارونی رشته‌ای ۷۰۰ گرمی از ۵۷ هزار تومان به ۷۵ هزار تومان رسید.

آن زمان انجمن صنفی، افزایش دستمزد، هزینه بسته‌بندی، حمل‌ونقل و سایر هزینه‌های تولید را از دلایل افزایش قیمت اعلام کرده بود و تاکید داشت که این افزایش بدون محاسبه تغییر قیمت گندم انجام شده است.

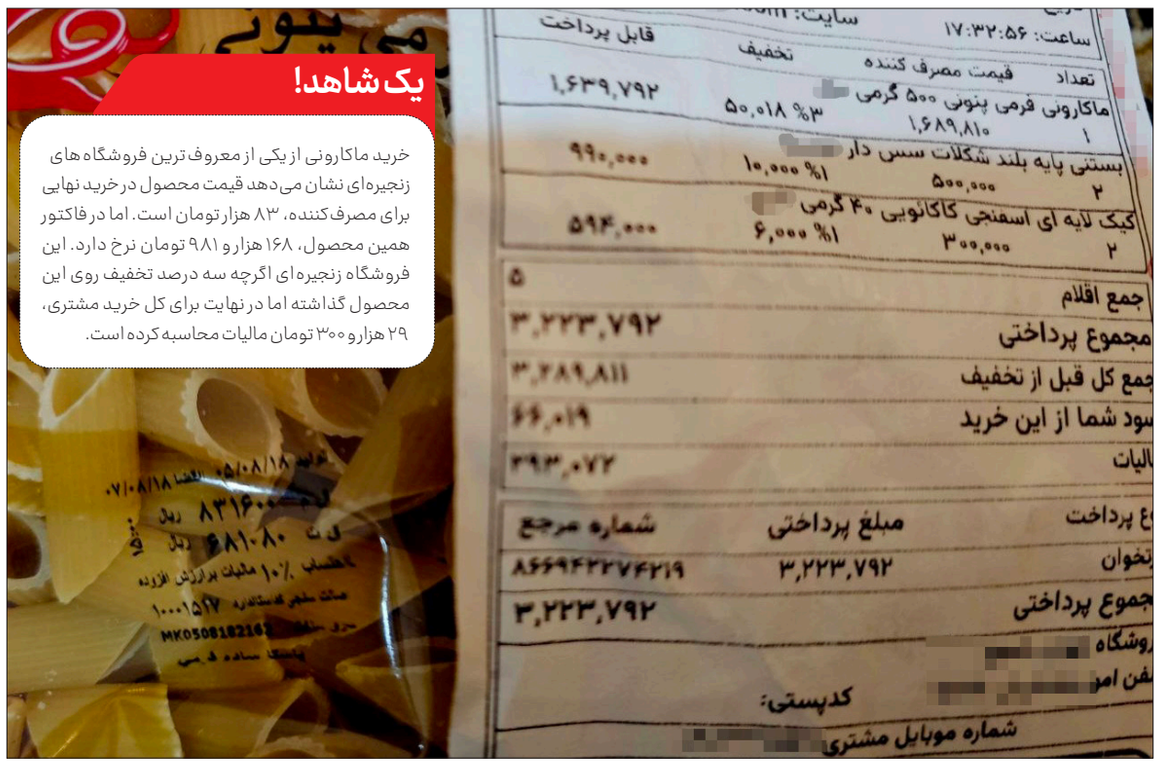
افزایش قیمت ماکارونی از منظر تولیدکنندگان و بازار سرمایه نیز قابل توجه است. برای نمونه، محصول رشته‌ای ۷۰۰ گرمی حدود ۹۰ درصد درآمد یکی از شرکت‌های ماکارونی در سال مالی گذشته را تشکیل داده است. بنابراین تغییر نرخ فروش این محصول می‌تواند تاثیر مهمی بر درآمد عملیاتی شرکت داشته باشد.

از سوی دیگر، اگر افزایش قیمت موجب کاهش تقاضا شود، ممکن است حجم فروش شرکت نیز تحت تاثیر قرار بگیرد. در چنین شرایطی، درآمد و سود نهایی به میزان فروش، هزینه مواد اولیه، موجودی انبار و توان مصرف‌کننده برای خرید محصول بستگی خواهد داشت.

واردات گندم می‌تواند مانع افزایش بیشتر قیمت شود؟

وزیر جهاد کشاورزی در توضیحات خود درباره تامین گندم مورد نیاز صنایع اعلام کرده است که برای تامین نیاز کارخانه‌های ماکارونی مجوز واردات صادر شده و تاکنون حدود ۲۰۰ هزار تن گندم وارد کشور شده است. این محموله‌ها قرار است به‌تدریج از طریق سامانه بازارگاه در اختیار مصرف‌کنندگان صنعتی قرار بگیرند.

افزایش قیمت ماکارونی را می‌توان نمونه‌ای از تاثیر تغییر سیاست‌های تامین مواد اولیه بر هزینه زندگی خانوارها دانست. دولت بر اساس ضوابط بودجه‌ای، عرضه گندم به صنایع را به سمت قیمت تمام‌شده برده است و تولیدکنندگان نیز افزایش هزینه مواد اولیه و مخارج تولید را دلیل اصلاح قیمت محصولات خود عنوان می‌کنند. در این میان، مصرف‌کننده نهایی با محصولی مواجه است که قیمت آن در فاصله کوتاهی بیش از دو برابر شده است. همچنین با توجه به گزارش‌هایی درباره کاهش موجودی ماکارونی در برخی فروشگاه‌ها، ضروری است وضعیت تولید، موجودی انبارها و شبکه توزیع نیز شفاف شود. افزایش قیمت نباید بهانه‌ای برای اختلال در عرضه یا ایجاد کمبود در بازار باشد.



یک شاهد!

خرید ماکارونی از یکی از معروف‌ترین فروشگاه‌های زنجیره‌ای نشان می‌دهد قیمت محصول در خرید نهایی برای مصرف‌کننده، ۸۳ هزار تومان است. اما در فاکتور همین محصول، ۱۶۸ هزار و ۹۸۱ تومان نرخ دارد. این فروشگاه زنجیره‌ای اگرچه سه درصد تخفیف روی این محصول گذاشته اما در نهایت برای کل خرید مشتری، ۲۹ هزار و ۳۰۰ تومان مالیات محاسبه کرده است.

فروشندگان خودسر!

مشاهدات میدانی خبرنگار «آگاه» نشان می‌دهد دو شرکت تولیدکننده ماکارونی بیش از سایر تولیدکنندگان اقدام به افزایش قیمت محصولات خود کرده‌اند. با این حال، بررسی‌ها از بازار نشان می‌دهد برخی مغازه‌داران و فروشگاه‌های زنجیره‌ای حتی محصولاتی را که با قیمت‌های قبلی، یعنی ۶۰ تا ۸۰ هزار تومان، در اختیار دارند، با نرخ‌های جدید به فروش می‌رسانند و این در حالی است که همچنان قیمت قبلی روی بسته‌بندی این محصولات درج شده است.

از سوی دیگر، برخی مغازه‌داران و فروشگاه‌ها نیز به‌صورت سلیقه‌ای اقدام به افزایش قیمت انواع ماکارونی کرده‌اند به طوری که محصولی با قیمت ۸۰ هزار تومان، حتی تا ۱۸۰ هزار تومان نیز به فروش می‌رسد، بی‌آنکه شرکت تولیدکننده افزایش قیمت آن را اعلام کرده باشد.

البته در این میان، برخی وب‌سایت‌های فروش کالا همچنان در قالب طرح‌های تخفیفی، ماکارونی را با قیمت‌های قبلی عرضه می‌کنند. همچنین در میادین میوه و تره‌بار، افزایش قیمت هنوز به تمام برندهای ماکارونی تسری پیدا نکرده است؛ هرچند پیدا کردن محصولات دو برند مشهورتر ماکارونی در این بازارها نیز دشوارتر شده است.

پاسخ رئیس کارگروه آرد و نان به شایعات:

قیمت نان و سهمیه شهروندان تغییری نکرده است



رئیس کارگروه آرد و نان با اشاره به سخنان مدیران بالادستی درباره طرح مدیریت آرد و نان گفت: طرح موجود در حوزه مدیریت آرد و نان، عملا بر قیمت نهایی و تعداد خرید خانوار تاثیری نخواهد داشت.

این روزها خبرهایی در خصوص نان سنتی در فضای مجازی در حال بازنشر است که در خصوص سهمیه‌ای شدن نان سخن گفته می‌شود. محمدجواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان پیرامون ساختار فعلی مدیریت نان یارانه در کشور، ضمن بررسی ابعاد مختلف قیمت‌گذاری و چالش‌های زیست‌بوم تولید، بر ضرورت بازنگری در مدل‌های حمایتی و تحلیل دقیق هزینه‌های تولید تاکید کرد.

کرمی با اشاره به سخنان مدیران بالادستی در خصوص طرح مدیریت آرد و نان، عنوان کرد: طرح موجود در حوزه مدیریت آرد و نان، عملا تاثیری بر قیمت نهایی خرید خانوار نخواهد داشت. در این الگو، میزان خرید مصرف‌کننده براساس نیاز روزانه و تقاضای واقعی صورت می‌گیرد و محدودیت خاصی برای نیاز مصرفی خانواده‌ها اعمال نشده است.

وی افزود: از آنجا که قیمت آرد و نان با نرخ‌های دولتی و یارانه‌ای تعیین می‌شود و قیمت آرد هم تغییری نداشته، تفاوت قیمت برای مصرف‌کننده نهایی وجود ندارد و فرآیند عرضه بر پایه اعداد یارانه‌ای و میزان تقاضای واقعی مردم پیش می‌رود.

ازیارانه کامل تا نیمه‌یارانه

رئیس عضو کارگروه آرد و نان با تشریح وضعیت موجود نانوایی‌ها در کشور، ساختار تولید را به دو بخش اصلی تقسیم کرد:

۱. نانوایی‌های سنتی (یارانه کامل)؛ وی تاکید کرد که در حال حاضر نانوایی سنتی با مدل «غیر یارانه» در کشور وجود ندارد. نانوایی‌های سنتی با دریافت آرد از طریق «کیسه‌های سفید» با قیمت ۱۲۰۰ تومان برای هر کیلوگرم، در دسته یارانه‌ای کامل قرار می‌گیرند (به طوری که قیمت یک کیسه ۴۰ کیلویی معادل ۷۸ هزار تومان است).

۲. نانوایی‌های نیمه‌یارانه؛ این واحدها گندم را با قیمت ۲۳ هزار و ۶۵۰ تومان دریافت می‌کنند، اما قیمت خرید آرد برای آنها ۳۰ هزار تومان محاسبه می‌شود (بنابراین قیمت یک کیسه ۴۰ کیلویی برای این گروه، یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان خواهد بود).

کرمی همچنین اظهار کرد: فقط نان‌های صنعتی و فانتزی از محدوده نظارت مستقیم یارانه‌ای خارج بوده و به صورت آزاد پز فعالیت می‌کنند.

وی با اشاره به الزام نصب دستگاه‌های «نانینو» در نانوایی‌های نیمه‌یارانه‌ای جهت کنترل فرآیند تولید و جلوگیری از هرگونه گران‌فروشی، بر اهمیت تحلیل هزینه‌ای تاکید کرد.

کرمی گفت: برای تعیین قیمت منصفانه، ما باید به تحلیل دقیق هزینه‌های یک واحد تولیدی بپردازیم. برخلاف رویکردهای سنتی، قیمت باید بر اساس هزینه‌های واقعی تولید تعیین شود.

یکی از محورهای اصلی صحبت‌های کرمی، آسیب‌پذیری اقتصادی نانوایان در مواجهه با حجم پایین تولید بود. وی یادآور شد: نانوایی‌ها با چالش جدی «بهای تمام شده» روبه‌رو هستند. اگر میزان تولید روزانه از یک حد مشخص (مثلا پنج کیسه در روز) کمتر باشد، نانوایی عملا دچار زیان می‌شود، چرا که هزینه‌های ثابت شامل اجاره مغازه، حقوق کارکنان و سایر هزینه‌های جاری، تنها با رسیدن به حجم تولید بالا پوشش داده شده و پس از آن سودده‌ی آغاز می‌شود. در واقع، تولید در حجم پایین، نانوا را مجبور به پرداخت هزینه‌ها از جیب شخصی می‌کند.

کرمی در پایان با اشاره به اینکه امسال حدود ۵۰۳ هزار میلیارد تومان (همت) بودجه برای یارانه گندم، آرد و نان تخصیص یافته است، بر پیوستگی چالش‌ها تاکید کرد و گفت: تمام چالش‌های موجود در زنجیره تامین به یکدیگر متصل هستند. دولت نیازمند نگاهی اساسی و فراتر از تعیین قیمت‌های صرف است؛ چرا که تعیین قیمت بدون در نظر گرفتن هزینه‌های واقعی و ظرفیت‌های تولیدی، راهگشای مشکلات نانوایان نخواهد بود.

با اینکه تولید گندم از ۱۴ میلیون تن گذشت

قیمت تمام‌شده گندم به ۸۵ هزار تومان رسید

معاون زراعت وزیر جهاد از قیمت ۸۵ هزار تومانی تمام‌شده تولید گندم خبر داد و گفت: تولید گندم از ۱۴ میلیون تن گذشت، اما تاخیر در پرداخت مطالبات مانع تحویل حدود ۱.۵ میلیون تن گندم به دولت شد.

وضعیت تولید و خرید تضمینی گندم در سال زراعی جاری، چالش‌ها و مطالبات کشاورزان، نحوه تخصیص منابع و همچنین برآوردهای کارشناسی درباره قیمت تمام‌شده گندم برای سال آینده، از مهم‌ترین مباحثی است که این روزها بخش کشاورزی کشور را به خود مشغول کرده است.

در همین راستا، مجید آنجفی، معاون زراعت وزارت جهاد کشاورزی، در گفت‌وگو با خبرنگار «مهر» به تشریح جزئیات تولید گندم، چرخه مصرف و دلایل عدم تحقق کامل اهداف خرید تضمینی پرداخت و مواضع این وزارتخانه را درباره تعیین قیمت‌های عادلانه برای حمایت از تولید داخلی تبیین کرد.

رکوردی که با چالش پرداخت روبه‌رو شد

معاون زراعت وزارت جهاد کشاورزی در ابتدا با اشاره به موفقیت‌های بخش تولید گفت: امسال، سال بسیار خوبی به لحاظ تولید بود و ما بیش از ۱۴ میلیون تن گندم در کشور تولید کردیم. اگر پرداخت وجوه گندمکاران به موقع و درست انجام می‌شد، مطمئن باشید امسال حداقل ۱۱ میلیون تن گندم تحویلی دولت می‌شد و نیاز به واردات گندم به طور کامل رفع می‌شد.

وی با رد برخی ابهامات درباره خروج گندم از کشور تصریح کرد: اینکه عده‌ای بپرسند ۶ میلیون تن گندم کجا رفته و از کشور خارج شده، نشان‌دهنده کامل نبودن اطلاعات است. مطابق آمار ۲۰ ساله تولید گندم، همواره میان آمار کل تولید و میزان تحویلی به دولت یک فاصله منطقی وجود داشته است؛ چرا که بخش قابل‌توجهی از این محصول در زنجیره‌های دیگر مصرف می‌شود.

سرنوشت ۱۴ میلیون تن گندم تولیدی کجا رقم خورد؟

آنجفی با تفکیک مصارف مختلف گندم تولیدی در کشور اظهار کرد: حدود دو میلیون تن از گندم تولیدی (با توجه به سطح زیر کشت حدود ۶.۵ میلیون هکتاری) صرف تامین بذر مورد نیاز کشاورزان شده است.

مصارف دامی و سایر بخش‌ها: حدود ۱۰ درصد از کل تولید (معادل ۱.۴ میلیون تن) به مصرف دامداری‌ها و سایر مصارف رسیده است.

صنف و صنعت: بخش دیگری از محصول در صنایع آرد و نان صنعتی، شیرینی‌پزی، بیسکویت‌سازی، ماکارونی و سایر صنایع وابسته مصرف می‌شود.

موجودی نزد کشاورزان: بخش زیادی از گندم تولیدی (حدود ۱.۵ میلیون تن) همچنان نزد کشاورزانی که بضاعت مالی بهتری داشته‌اند نگهداری می‌شود؛ چرا که گندم کالایی است که ارزش آن روزبه‌روز افزایش می‌یابد و اطلاعات حاکی از آن است که برخی سیلوها و بخش خصوصی، گندم را تا قیمت ۷۰ هزار تومان نیز از کشاورزان خریداری می‌کنند.

معاون وزیر جهاد کشاورزی با انتقاد از عملکرد سازمان برنامه و بودجه در تامین منابع مالی خرید تضمینی گفت: انتظار این بود که سازمان برنامه و بودجه تکالیف قانونی خود را بهتر انجام دهد. البته محدودیت‌هایی در زمینه تامین منابع وجود داشت که شرایط کشور ایجاب می‌کرد، اما امسال حدود ۱.۵ میلیون تن از گندم پیش‌بینی‌شده به دلیل عدم پرداخت به موقع وجوه به کشاورزان، تحویل دولت نشد.

وی افزود: در شروع فصل کاشت، حدود ۷۵ روز زمان برد تا اولین پرداخت به کشاورزان انجام شود و همین تاخیرها موجب شد تا بخشی از محصول به جای سیلوهای دولتی، به بازارهای دیگر راه پیدا کند.

معاون وزیر جهاد کشاورزی در بخش پایانی این گفت‌وگو درباره نرخ خرید تضمینی گندم برای سال زراعی آینده و گمانه‌زنی‌های مطرح شده پیرامون نرخ‌های ۶۰ تا ۸۵ هزار تومانی تایید کرد: وزارت جهاد کشاورزی وظیفه ذاتی خود می‌داند که از حقوق کشاورزان دفاع کند. ما به دنبال تعیین قیمتی هستیم که هزینه‌های واقعی تولید را دربر بگیرد.

وی عنوان کرد: در شورای قیمت‌گذاری، تقریبا تمامی اعضا به جز یکی دو نفر، بر ضرورت تعیین قیمتی که منافع کشاورز را تامین کند اتفاق نظر دارند. ما به دنبال ایجاد اجماع و اقناع در شورا هستیم تا مجبور نباشیم در فاز واردات با نرخ‌های بالا قرار گیریم. در معاونت زراعت، قیمت تمام‌شده‌ای که مورد اجماع تشکل‌های بخش کشاورزی و نمایندگان این معاونت قرار گرفته، چیزی حدود ۸۵ هزار تومان است.





مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو:

خرید تجهیزات پزشکی باید با اولویت تولید داخل باشد

نسخه درمان مصرف بی‌رویه همین است؟

سرم آویزان از جیب مردم شهر



خروج سرم‌های تزریقی از پوشش بیمه‌ای، در حالی مطرح شده که مصرف بی‌رویه این محصول به یکی از چالش‌های نظام سلامت تبدیل شده است، اما آیا حذف حمایت بیمه‌ای، راه‌حل مناسبی برای مقابله با تجویزهای غیرمنطقی است یا باز دیگر باید هزینه ضعف نظارت را بیماران بپردازند؟

به گزارش «آگاه» سرم درمانی در ایران برای بخشی از مردم به یکی از اجزای جدایی ناپذیر مراجعه به پزشک تبدیل شده است؛ گویی سردرد، بدن درد، سرماخوردگی و حتی خستگی بدون تزریق یک کیسه سرم بهبود پیدا نمی‌کند. از سوی دیگر، در برخی مراکز درمانی نیز تجویز سرم به رفتاری نسبتا رایج تبدیل شده که گاهی ضرورت پزشکی آن، محل تردید است. این وضعیت نه‌تنها منابع نظام سلامت را هدر می‌دهد، بلکه می‌تواند سلامت بیماران را نیز به خطر بیندازد. با این حال، در مواجهه با چنین مشکلی، تصمیم به خروج سرم‌های تزریقی از پوشش بیمه‌ای این پرسش را مطرح می‌کند که چرا به جای اصلاح سازوکار تجویز و نظارت، باید حمایت بیمه‌ای از این خدمت محدود شود؟

از هشدار درباره مصرف بی‌رویه تا تغییر سیاست بیمه‌ای

هشدارها درباره مصرف غیرمنطقی سرم مدت‌هاست مطرح است. بر اساس مصوبات جلسه ۱۲ مهر هیات وزیران که اول آبان ابلاغ آن منتشر شد، تغییراتی در سیاست‌های بیمه‌ای دارو و خدمات درمانی اعمال شد. در همین چارچوب، برخی اقلام دارویی از جمله سرم‌های تزریقی از پوشش بیمه‌ای در بخش سرپایی خارج شدند.

با این حال، نکته مهم آن است که این تصمیم به معنای حذف کامل پوشش بیمه‌ای سرم در همه شرایط نیست. مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو، توضیح داده است که سرم‌های تزریقی در بخش سرپایی از پوشش بیمه خارج شده‌اند، اما همچنان در بیمارستان‌ها تحت حمایت بیمه قرار دارند.

پیرصالحی در توضیح علت این تصمیم به مصرف سالانه بیش از ۲۰۰ میلیون واحد سرم در کشور اشاره کرده و گفته است بخش قابل توجهی از تجویزهای سرپایی ضرورت پزشکی ندارد. استدلال سازمان غذا و دارو این است که منابع بیمه محدودند و بهتر است هزینه درمان‌های غیرضروری از این منابع پرداخت نشود تا امکان حمایت از داروهای گران‌قیمت‌تر و کاهش پرداختی بیماران برای آنها فراهم شود.

مشکل از سرم نیست؛ از نسخه است

واقعیت این است که هیچ‌کس نمی‌تواند ضرورت مقابله با مصرف بی‌رویه سرم را انکار کند. وقتی محصولی با هزینه قابل توجه تولید و تامین می‌شود و بخش زیادی از مصرف آن ضرورتی ندارد، مدیریت مصرف یک ضرورت اقتصادی و درمانی است. تزریق غیرضروری سرم نیز اقدامی کاملا بی‌خطر نیست و می‌تواند عوارضی مانند عفونت محل تزریق، اختلالات الکترولیتی و تجمع مایعات در بدن، به‌ویژه در بیماران قلبی و کلیوی، ایجاد کند. اما مسئله اصلی اینجاست که چه کسی مسئول کنترل این روند است؟

بخشی از ماجرا به باورهای نادرست مردم بازمی‌گردد. برخی بیماران تصور می‌کنند سرم باعث بهبود سریع‌تر می‌شود و حتی هنگام مراجعه به پزشک، خود شان درخواست تزریق دارند. حسن حسن‌نتاج، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، در اظهاراتی در ۳۰ آبان از شکل‌گیری نوعی وابستگی روانی به مصرف سرم انتقاد کرده و گفته است برخی بیماران به جای درخواست دارو، اصرار به دریافت سرم دارند و بعضی پزشکان نیز به‌راحتی این درخواست را می‌پذیرند.

اما آیا می‌توان مسئولیت چنین وضعیتی را تنها متوجه مردم دانست؟ پاسخ منفی است. بیمار ممکن است به دلیل اطلاعات ناکافی، درخواست سرم داشته باشد، اما تشخیص ضرورت درمان بر عهده پزشک است. اگر تزریق سرم لازم نیست، پزشک باید با توضیح علمی بیمار را متقاعد کند که درمان مناسب دیگری دریافت کند. پذیرفتن هر درخواست درمانی بدون ضرورت پزشکی، با مسئولیت حرفه‌ای پزشک سازگار نیست. از سوی دیگر، گزارش‌هایی درباره نقش برخی مراکز درمانی خصوصی در افزایش تجویز خدمات تزریقی و ایجاد انگیزه‌های مالی برای ارائه این خدمات مطرح می‌شود. اگر در برخی مراکز، درآمد حاصل از تزریقات به عاملی برای سوق دادن پزشک به سمت تجویز بیشتر تبدیل شده باشد، این مسئله نیازمند بررسی جدی نهادهای نظارتی است. البته چنین ادعایی را نمی‌توان بدون بررسی و مستندات به همه مراکز درمانی تعمیم داد، اما همین احتمال نیز نشان می‌دهد که مسئله مصرف بی‌رویه صرفا با آموزش مردم حل نخواهد شد.

حذف پوشش بیمه؛ راه‌حل یا انتقال هزینه؟

در ۲۶ آبان، مهدی پیرصالحی بار دیگر درباره علت خروج سرم‌های تزریقی از پوشش بیمه‌ای توضیح داد و بر ضرورت مدیریت مصرف و اختصاص منابع بیمه‌ای به داروهای ضروری‌تر تاکید کرد. این استدلال از منظر مدیریت منابع قابل بررسی است؛ بیمه‌ها منابع نامحدود ندارند و نمی‌توانند هر نوع خدمت یا دارویی را بدون توجه به اثربخشی و ضرورت آن پوشش دهند.

با این حال، باید میان حذف حمایت از یک خدمت غیرضروری و حذف حمایت بیمه‌ای از یک محصول درمانی تفاوت قائل شد. سرم به خودی خود درمان غیرضروری نیست، بلکه در شرایط مشخص پزشکی می‌تواند بخشی ضروری از درمان بیمار باشد. بنابراین، ملاک حمایت بیمه باید نیاز واقعی بیمار باشد، نه صرفا نوع محصولی که در نسخه ثبت شده است.

فاطمه محمدبیگی، نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت مجلس، نیز با وجود موافقت با اصلاح الگوی مصرف داروهای تزریقی، مخالفت خود را با خروج بی‌ضابطه این داروها از پوشش بیمه اعلام کرده است. او تاکید کرده که به‌ویژه برای دهک‌های پایین درآمدی، چنین تصمیمی می‌تواند نگران‌کننده باشد و شورای عالی بیمه سلامت باید پاسخگوی نیاز مردم باشد.

این موضع از یک جهت اهمیت دارد: بیمار نباید به دلیل تصمیم درمانی پزشک، ناچار به پرداخت هزینه‌ای شود که پیشتر تحت پوشش بیمه بوده است؛ به‌خصوص زمانی که تزریق سرم واقعا ضرورت دارد و بیمار نقشی در تصمیم حرفه‌ای پزشک نداشته است. اگر پزشک برای بیماری که به سرم نیاز ندارد، این خدمت را تجویز می‌کند، باید سازوکاری وجود داشته باشد که این رفتار شناسایی و اصلاح شود. بازخورد به پزشکان درباره الگوی نسخه‌نویسی، بررسی نسخه‌های پرتکرار و غیرمتعارف، نظارت بر عملکرد مراکز درمانی و برخورد با تخلفات احتمالی، راهکارهایی هستند که مستقیما علت مسئله را هدف قرار می‌دهند.

جالب آنکه در همان مصوبات بیمه‌ای نیز بر ضرورت ارائه بازخورد به پزشکان درباره رفتار تجویزی و مدیریت تجویز دارو و خدمات از طریق سازوکارهای تشویقی تاکید شده است. بنابراین، خود نظام تصمیم‌گیری نیز ابزارهایی برای کنترل نسخه‌نویسی در اختیار دارد که می‌توان آنها را جدی‌تر و موثرتر به کار گرفت.

بیمار نباید تاوان ضعف نظارت را بدهد

نکته دیگری که نباید از نظر دور بماند، وضعیت اقتصادی خانوارهاست. برای بیماری که به دلیل کم‌آبی شدید یا شرایط خاص پزشکی به سرم نیاز دارد، افزایش هزینه پرداختی می‌تواند به مانعی برای دریافت درمان تبدیل شود. حتی اگر پوشش بیمه‌ای در بخش بستری همچنان برقرار باشد، همه بیمارانی که به سرم نیاز دارند لزوما در بیمارستان بستری نمی‌شوند. برخی از آنها در بخش سرپایی و درمانگاه‌ها خدمات ضروری دریافت می‌کنند.

از این منظر، حذف پوشش بیمه‌ای در بخش سرپایی ممکن است میان بیمار نیازمند و فردی که صرفا به دلیل باورنادرست درخواست سرم دارد، تفاوتی قائل نشود؛ در حالی که این دو وضعیت از نظر پزشکی کاملا متفاوتند.

راه منطقی‌تر آن است که بیمه‌ها به جای کنار کشیدن از پرداخت هزینه، نقش فعال‌تری در مدیریت مصرف داشته باشند. می‌توان تجویزهای پرتکرار و خارج از الگوی معمول را بررسی کرد، برای نسخه‌های مشکوک سازوکار ارزیابی و نظارت در نظر گرفت، عملکرد مراکز درمانی را پایش کرد و با همکاری سازمان نظام پزشکی و انجمن‌های علمی، دستورالعمل‌های تجویز منطقی را به اجرا گذاشت. در کنار این اقدامات، آموزش عمومی نیز باید به مردم یادآوری کند که سرم نه داروی تقویتی است و نه راه‌حل فوری همه بیماری‌ها. بیمه قرار است سپر مالی بیمار در برابر هزینه‌های درمان باشد، نه اینکه با حذف حمایت از یک خدمت، صورت‌مسئله تجویزهای غیرمنطقی را پاک کند. مقابله با سرم‌درمانی بی‌رویه ضروری است، اما این مقابله زمانی عادلانه و اثربخش خواهد بود که بیمار نیازمند همچنان از حمایت بیمه برخوردار بماند و هزینه رفتارهای غیرمسئولانه احتمالی در زنجیره درمان، بر دوش او گذاشته نشود.

دو متروباس برقی در راه خط یک اتوبوس‌های تندرو تهران

مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، از آغاز عملیات ترخیص دو دستگاه متروباس تمام‌برقی ۲۶ متری از گمرک بندرعباس خبر داد.

به گزارش «آگاه» مهدی علیزاده گفت: پس از تکمیل مراحل ترخیص، این دو دستگاه با استفاده از کفی‌های خودروبر متناسب با طول و ابعادشان به تهران منتقل می‌شوند و پس از انجام مراحل آماده‌سازی فنی، در خط یک اتوبوس‌های تندرو (BRT) به شهروندان خدمات‌رسانی خواهند کرد. مسیر این خط نیز برای تردد و بهره‌برداری از این اتوبوس‌ها آماده‌سازی شده است.

وی با اشاره به ظرفیت جابه‌جایی حدود ۳۰۰ مسافر در هر دستگاه، اظهار کرد: این متروباس‌ها با ظرفیت نشسته ۵۵+۵+۱ نفر، سه درورودی در هر طرف و طراحی کف‌پایین (Low Floor)، امکان جابه‌جایی تعداد زیادی از مسافران و سهولت سوار و پیاده شدن آنان را فراهم می‌کنند. همچنین امکانات مناسب‌سازی برای افراد دارای معلولیت در طراحی این اتوبوس‌ها پیش‌بینی شده است.

علیزاده با اشاره به مزیت‌های زیست محیطی و فنی این ناوگان افزود: تمام‌برقی بودن این اتوبوس‌ها به حذف آلایندگی ناشی از اگزوز در محل تردد و کاهش آلودگی هوای شهر کمک می‌کند. ظرفیت باتری هر دستگاه ۸۸۰.۲ کیلووات‌ساعت است و پیمایش اعلام‌شده با هر بارشارژ، در شرایط عملیاتی و با روشن بودن سیستم تهویه مطبوع، حدود ۳۰۰ کیلومتر خواهد بود. همچنین دو درگاه شارژ برای هر اتوبوس در نظر گرفته شده که امکان شارژ همزمان از طریق هر دو درگاه را فراهم می‌کند. پایانه شرق قدیم و جایگاه شارژ اکباتان نیز برای تامین زیرساخت شارژ این اتوبوس‌ها پیش‌بینی شده‌اند.

مدیرعامل شرکت واحد با تاکید بر اهمیت آموزش نیروی انسانی برای راهبری این ناوگان گفت: این اتوبوس‌ها خودران نیستند و با راهبری مستقیم اتوبوسران فعالیت می‌کنند. از این رو، اتوبوسرانان باتجربه و خوش‌سابقه از چندی پیش آموزش‌های تخصصی مورد نیاز را آغاز کرده‌اند و این آموزش‌ها در دوره بهره‌برداری نیز در قالب دوره‌های ضمن خدمت ادامه خواهد داشت تا خدماتی ایمن و مطلوب به شهروندان ارائه شود.

وی با اشاره به برنامه توسعه ناوگان برقی در این دوره مدیریت شهری خاطرنشان کرد: در قالب یک قرارداد، تامین ۷۵ دستگاه اتوبوس برقی ۲۶ متری و در قراردادی دیگر، تامین ۵۰ دستگاه اتوبوس برقی ۱۸ متری دوکابین پیش‌بینی شده است. در حال حاضر دو دستگاه ۲۶ متری به کشور رسیده‌اند و سایر اتوبوس‌ها نیز به‌تدریج وارد کشور و به ناوگان حمل‌ونقل عمومی تهران اضافه خواهند شد.

اجرای قرارداد جدید بیمه تکمیلی بازنشستگان



رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی از اجرای قرارداد جدید بیمه تکمیلی درمان بازنشستگان تامین اجتماعی از اول آذر خبر داد و گفت: بازنشستگان به مدت سه ماه فرصت دارند برای حذف یا اضافه افراد تحت پوشش بیمه تکمیلی اقدام کنند.

محمد اسدی در گفت‌وگو با «ایسنا» با اشاره به آغاز اجرای قرارداد جدید بیمه تکمیلی درمان بازنشستگان با شرکت بیمه‌گر آتیه‌سازان حافظ از اول آذر اظهار کرد: بازنشستگان در بازه زمانی سه ماهه، فرصت حذف و اضافه افراد تحت پوشش بیمه تکمیلی را خواهند داشت.

وی با اشاره به افزایش تعهدات درمانی در قرارداد جدید اظهار کرد: تعهدات درمانی در طرح نخست نسبت به سال گذشته ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده، در حالی که میزان افزایش حق بیمه حدود ۳۰ درصد بوده است.

وی افزود: با پیگیری‌های متعدد، برگزاری جلسات با شرکت‌های بیمه‌گر و بررسی پاکت‌های مربوط به مناقصه بیمه تکمیلی بازنشستگان، نهایتا پس از حدود هشت ساعت جلسه، به جمع‌بندی مناسبی درباره قرارداد جدید دست پیدا کردیم.

رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی ادامه داد: در طرح نخست قرارداد جدید، تعهدات بیمه تکمیلی نسبت به سال گذشته ۷۰ درصد افزایش یافته و حق بیمه این طرح ۹۴۵ هزار تومان تعیین شده است که در مقایسه با سال گذشته حدود ۳۰ درصد افزایش دارد.

اسدی با تشریح جزئیات طرح دوم یا طلایی بیمه تکمیلی بازنشستگان گفت: در این طرح تمامی تعهدات بدون سقف ارائه می‌شود و سقف تعهدات دارو و ویزیت نیز هرکدام ۱۰ میلیون تومان تعیین شده است. حق بیمه طرح طلایی دو میلیون و ۹۹۵ هزار تومان خواهد بود.

وی با اشاره به سهم پرداختی بازنشستگان و سازمان تامین اجتماعی در قرارداد جدید تصریح کرد: جزئیات مربوط به سهم بازنشستگان و میزان پرداختی سازمان تامین اجتماعی در قرارداد بیمه تکمیلی متعاقبا اعلام خواهد شد و پس از نهایی شدن، اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد.

رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی خاطرنشان کرد: بازنشستگان از اول آذر به مدت سه ماه فرصت دارند نسبت به حذف یا اضافه افراد تحت پوشش بیمه تکمیلی اقدام کنند و جزئیات مربوط به نحوه انجام این فرآیند نیز اطلاع‌رسانی خواهد شد.

رکورد ۲۵ ساله مسافران مترو تهران

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار تهران از ثبت رکورد جدید جابه‌جایی مسافر در شبکه مترو پس از ۲۵ سال خبر داد.

به گزارش «آگاه» محسن هرمزی، معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار تهران گفت: بعد از ۲۵ سال رکورد مسافر در شبکه مترو تهران شکسته شد و دو میلیون مسافر در یک روز جابه‌جا شد. به طور متوسط ۵۴ درصد افزایش ظرفیت مسافر داشتیم.

وی ادامه داد: در کنار اینها کاهش ورود خودروهای شخصی به محدوده ترافیکی نسبت به مشابه سال گذشته نشان از استقبال شهروندان از طرح رایگانسازی حمل‌ونقل عمومی دارد. همچنین شرکت ملی پالایش پخش گزارشی درباره آمار مصرف بنزین در استان تهران و شهر تهران ارائه داد که طبق این آمار مصرف بنزین در استان‌های تهران و کرمان کاهشی بوده است. هرمزی با بیان اینکه در استان تهران به دلیل رایگان کردن حمل‌ونقل به صورت معناداری کاهش مصرف بنزین رو مشاهده کردیم، اظهار کرد: البته با برقیسازی نیز طبق آمار حدود ۱۷ میلیون لیتر گازوئیل در این دو سال اخیری که اتوبوس‌های برقی وارد ناوگان شد صرفه‌جویی کرده‌ایم.

هفته سیزدهم لیگ برتر فوتبال

سپاهان با تساوی هم صدر را از دست نداد

محمود احمدی، خبرنگار ورزشی: رقابت‌های هفته سیزدهم لیگ برتر فوتبال با برگزاری ۹ دیدار طی روزهای پنج‌شنبه، جمعه و شنبه پیگیری شد و البته دو دیدار این هفته هم امروز (دوشنبه دوم آذر) برگزار می‌شود. در ادامه به بررسی بازی‌های برگزارشده در این هفته پرداخته‌ایم.

پنج‌شنبه ۲۸ آبان در تک دیدار برگزارشده ملوان میزبان گل‌گهر بود. در این دیدار و بعد از آنکه باشگاه شمالی استعفای مازیارزارع، سرمربی خود را نپذیرفت انزلی‌چی‌ها دو بر یک بازی را به مهمان سیرجانی خود واگذار کردند تا همچنان در نیمه پایینی جدول و رده شانزدهم باقی بمانند؛ گل‌گهر با این برد در رده نهم جدول قرار گرفت.

اما در ادامه و روز دوم (جمعه ۲۹ آبان) چهار دیدار برگزار شد. در دیدار اول روز دوم از هفته سیزدهم فجرسپاسی و چادرملو دو همسایه جدولی (هفتم و هشتم) به نتیجه‌ای بهتر از تساوی یک- یک نرسیدند و دو تیم امتیازات را با هم تقسیم کردند. در ادامه ذوب‌آهن در یک بازی زیبا توانست در خانه شمس‌آذر را با شکست بدرقه کند. ذوبی‌ها در این دیدار سه گل به تیم قزوینی زدند و گلی هم دریافت نکردند. تیم اصفهانی در رده دوازدهم جدول و تیم قزوینی در رده هفدهم جدول قرار دارند. اما در مهم‌ترین دیدار روز دوم هفته سیزدهم پرسپولیس تهران میزبان پیکان بود.

پرسپولیسی‌ها که هفته قبل بازی خود را باخته بودند، عزم خود را جزم کردند تا در این هفته با شکست پیکان باخت هفته قبل را فراموش کنند. قرمزپوشان سه گل به پیکان زدند و در مقابل پیکانی‌ها نتوانستند توپی از خط دروازه پرسپولیسی‌ها عبور بدهند. با این برد پرسپولیس پشت سر سپاهان در رده دوم جدول قرار گرفت و پیکان هم رده یازدهم را به خود اختصاص داد.

آخرین بازی این روز بین صنعت نفت آبادان و استقلال خوزستان برگزار شد. نفتی‌ها توانستند در این دیدار دو بر یک پیروز شوند تا فاتح دربی جنوبی‌ها لقب بگیرند. دو تیم در جدول همسایه هستند و رده‌های چهاردهم و پانزدهم را به خود اختصاص داده‌اند.

در روز شنبه (۳۰ آبان) دو دیدار برگزار شد که هر دو مسابقه با تساوی به پایان رسید. ابتدا نساجی مازندران مقابل آلومینیوم اراک با تساوی بدون گل متوقف شد و در ادامه فولاد مقابل سپاهان به تساوی دو- دو رضایت داد. نساجی مازندران در رده سیزدهم قرار دارد و روزهای خوبی را سپری نمی‌کند اما اراکی‌ها در نیمه بالای جدول و رده ششم روزهای خوبی را پشت سر می‌گذارند. دیدار فولاد و سپاهان هم که در اهواز برگزار می‌شد با تساوی دو- دو به پایان رسید. سپاهان با این تساوی همچنان صدر جدول را در اختیار دارد و فولاد هم رده سوم جدول را در اختیار دارد.

دو دیدار باقی‌مانده این هفته بین تیم‌های خیبرخرم‌آباد- استقلال تهران و مس شهربابک- تراکتور هم امروز دوشنبه برگزار می‌شود. قبل از برگزاری این دیدارها خیبر رده دهم جدول و استقلال تهران رده پنجم جدول را در اختیار دارند. مس شهربابک هم که تنها تیم بدون برد این فصل است در رده آخر کاندیدای اصلی سقوط به لیگ پایین است و تراکتور هم ده چهارم جدول را به خود اختصاص داده است.



۵۰ درصد جمعیت کشور با اضافه‌وزن مواجه‌اند

ضرورت ساماندهی روش‌های درمان چاقی

رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران با بیان اینکه حدود ۵۰ درصد جمعیت کشور با اضافه وزن و چاقی مواجه هستند، گفت: در حال حاضر، حدود یک میلیون کودک با شاخص توده بدنی بالاتر از محدوده طبیعی مواجه‌اند.

نادرتوکلی در این زمینه اظهار کرد: حساس‌سازی جامعه و ایجاد الگوی مناسب سبک زندگی از رسالت‌های مهم حوزه سلامت است. او درباره پیامدهای اضافه وزن و چاقی گفت: افزایش وزن و چاقی به‌ویژه هنگامی که به بیماری‌های همراه منجر می‌شود، اهمیت بالینی ویژه‌ای پیدا می‌کند. چاقی می‌تواند زمینه‌ساز یا تشدیدکننده بیماری‌های مختلف مانند دیابت، فشارخون و سندرم متابولیک شود و زنگ خطری جدی به شمار می‌رود که بر ضرورت برنامه‌ریزی و مداخله مهر تایید می‌زند.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران درباره نقش مدیریت افزایش وزن و اصلاح سبک زندگی در زمینه کنترل بیماری‌های غیرواگیر گفت: شرایط خاص زندگی شهرنشینی و اشتغال در ساعات کاری مختلف، از جمله عواملی هستند که سبک زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهند که ضرورت اتخاذ رویکردهای جدید برای مقابله با این مسئله را دوچندان می‌کند.

توکلی درباره اضافه‌وزن و چاقی در کشور گفت: بر اساس آمار و ارقام، حدود ۵۰ درصد جمعیت کشور با مسئله اضافه‌وزن و چاقی مواجه هستند و حدود ۳۰ درصد نیز چاقی بالینی دارند که با علائم و عوارض بیماری همراه است.

او درباره چاقی کودکان توضیح داد: در حال حاضر، حدود یک میلیون کودک با شاخص توده بدنی بالاتر از محدوده طبیعی مواجه هستند؛ موضوعی که در صورت نبود مداخلات مناسب می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات و بیماری‌های مختلف در آینده شود.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران درباره اهداف برگزاری همایش چاقی بالینی نیز اظهار کرد: یکی از اهداف اصلی این همایش، فراهم کردن بستری علمی و مبتنی بر شواهد برای بررسی مداخلات و دستیابی به راهکارهایی است که بتوانند



در سطح جامعه موثر واقع شوند.

او درباره گسترش تبلیغات غیرعلمی و سودجویانه در حوزه کاهش وزن افزود: تبلیغات پوچ و گمراه‌کننده، یکی از موضوعات فراگیر در این حوزه است، که با اهداف سودجویانه انجام می‌شود. سال گذشته، موردی از مرگ یک زن جوان را به خاطر دارم که پس از سفارش داروی لاغری از طریق یک سایت و مصرف آن، دچار ایست قلبی شد.

توکلی درباره ضرورت ساماندهی روش‌های درمان چاقی ادامه گفت: مداخلات درمانی و روش‌های کنترل وزن باید بر مبنای اصول علمی انجام شود و از روش‌های غیرمعتبر و شبه‌برانگیز جلوگیری کنیم.

او با بیان اینکه تولیدات علمی کشور در حوزه چاقی قابل توجه بوده است، گفت: با وجود تولید مقالات علمی متعدد، نباید به شواهد موجود در مقالات اکتفا کنیم، بلکه باید مداخلات را به صورت مشخص مورد توجه قرار دهیم. در حال حاضر، تبلیغات زیادی درباره درمان‌های چاقی و روش‌های کنترل وزن انجام می‌شود و شیوه‌های دارویی مختلفی نیز مطرح شده، اما موضوعی که اهمیت عمیق‌تری دارد، تغییر فرهنگ جامعه و کمک به اصلاح سبک زندگی است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران اظهار کرد: پس از فراخوان همایش، حدود ۲۶۵ مقاله به دبیرخانه ارسال شده است. همچنین جایزه ویژه‌ای با عنوان «میناب» برای محقق برتر برای این همایش در نظر گرفته شده است.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
روزنامه آگاه
۶۹۷

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست
سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

دوشنبه
۲ آذر ماه ۱۴۰۵
۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۸ | ۲۳ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۱۸
اذان ظهر	۱۱:۵۰
اذان مغرب	۱۷:۱۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۶

کمبود این ویتامین، کلسترول خون را بالا می‌برد

نتایج بررسی سلامت بیش از ۴۳ هزار بزرگسال نشان می‌دهد افرادی که با کمبود ویتامین D مواجه هستند، بیشتر در معرض سطوح ناسالم کلسترول و سایر چربی‌های خون قرار دارند.

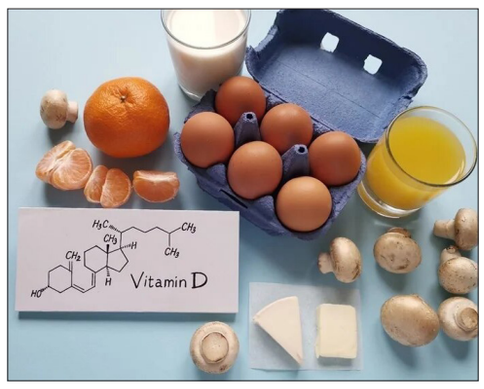
بیشتر ما ویتامین D را به دلیل نقشش در تقویت استخوان‌ها می‌شناسیم. این ویتامین به بدن در جذب کلسیم کمک می‌کند؛ اما پژوهشگران همچنین در پی آن هستند که بدانند آیا ویتامین D در سایر جنبه‌های سلامت از جمله نحوه مدیریت کلسترول و سایر چربی‌های خون توسط بدن نیز نقش دارد یا خیر.

برای بررسی این موضوع، پژوهشگران داده‌های سلامت بیش از ۴۳ هزار بزرگسال در شرق چین را تحلیل کردند. آنها سطح ویتامین D شرکت‌کنندگان را اندازه‌گیری کرده و افراد را در سه گروه دسته بندی کردند: دارای سطح کافی، سطح متوسط، و دچار کمبود.

حدود سه چهارم شرکت‌کنندگان دارای سطوح ناسالمی از کلسترول یا سایر چربی‌ها در خون خود بودند. احتمال بروز این مشکل در افرادی که سطح ویتامین D بالاتری داشتند، کمتر بود. در واقع، هر میزان افزایش در سطح ویتامین D، با حدود ۶ درصد کاهش احتمال داشتن سطوح ناسالم چربی خون مرتبط بود. همچنین مشخص شد که این یافته‌ها در گروه‌های سنی مختلف، هم در میان مردان و هم زنان و چه در افراد مبتلا به دیابت و چه در افراد فاقد دیابت، صدق می‌کند.

این مطالعه ارتباطی میان ویتامین D و سطوح ناسالم چربی خون پیدا کرد، اما ثابت نکرد که کمبود ویتامین D عامل مشکلات کلسترول است. از آنجا که پژوهشگران هر دو مورد را در یک مقطع زمانی در شرکت‌کنندگان اندازه‌گیری کردند، نمی‌توان مشخص کرد که کدام یک مقدم بر دیگری بوده یا اینکه آیا عامل سومی بر هر دو تاثیرگذار بوده است یا خیر.

چندین توضیح احتمالی برای این ارتباط وجود دارد. ویتامین D به جذب کلسیم در بدن کمک می‌کند؛ کلسیم نیز در تبدیل کلسترول به اسیدهای صفراوی نقش دارد. این اسیدها به بدن کمک می‌کنند تا کلسترول را دفع کند. همچنین، ویتامین D ممکن است بر هورمونی تاثیر بگذارد که با سطوح بالاتر تری‌گلیسیرید مرتبط دانسته شده است. این موارد توضیحات احتمالی هستند، اما پژوهشگران هنوز باید آنها را به اثبات برسانند. بنابراین در حال حاضر، نمی‌توان گفت که افزایش سطح ویتامین D منجر به کاهش کلسترول خواهد شد. اگر نگران کمبود ویتامین D هستید، با پزشک یا متخصص سلامت خود مشورت کنید تا ببینید آیا انجام آزمایش خون یا مصرف مکمل برای شما مناسب است یا خیر.



اژدها به خانه رسید!

کپسول باری «دراگون» شرکت «اسپیس ایکس» از ایستگاه فضایی بین‌المللی به زمین بازگشت.

کپسول فضایی «دراگون» شرکت «اسپیس ایکس» با به پایان رساندن سی‌وپنجمین ماموریت خود، به زمین بازگشت. به نقل از اسپیس، کپسول رباتیک دراگون روز جمعه ۲۰ نوامبر ساعت ۱۲:۰۵ بعدازظهر به وقت منطقه زمانی شرقی از ایستگاه فضایی بین‌المللی جدا شد. در آن زمان هم دراگون و هم ایستگاه فضایی در ارتفاع ۴۱۸ کیلومتری بر فراز غرب چین در حال پرواز بودند.

این فضاپیمای باری طی ۲۹ ساعت پس از آن به سمت زمین حرکت کرد و سرانجام روز شنبه ۲۱ نوامبر ساعت ۱۷:۰۳ به وقت منطقه زمانی شرقی در اقیانوس آرام و در نزدیکی سواحل کالیفرنیا فرود آمد. دراگون روز ۱۳ اکتبر در ماموریت «CRS-۳۵» پرتاب شد، زیرا این سی‌وپنجمین پرواز اسپیس ایکس برای برنامه خدمات تدارکات تجاری ناسا بود.

این کپسول فضایی روز ۱۵ اکتبر به ایستگاه فضایی بین المللی رسید و بیش از ۲۸۶۰ کیلوگرم مواد غذایی، تجهیزات علمی و سایر تدارکات را به فضانوردان مستقر در آزمایشگاه مداری تحویل داد. این کپسول فضایی، محموله قابل توجهی را نیز به زمین بازگرداند.

آب و هوا

هشدار بارش برف و باران در ۱۰ استان

سازمان هواشناسی از فعالیت سامانه بارشی در شمال غرب و شمال خبر داد و نسبت به آب‌گرفتگی و یخ‌زدگی هشدار داد.

سازمان هواشناسی با صدور هشدار از فعالیت سامانه بارشی در برخی مناطق کشور از بعدازظهر امروز، دوشنبه دوم آذر ۱۴۰۵ خبر داد. مطابق این هشدار بارش باران، رعدوبرق و وزش باد پیش‌بینی می‌شود و در ارتفاعات و مناطق سردسیر نیز بارش برف و پدیده مه دور از انتظار نیست. بعدازظهر امروز فعالیت سامانه بارشی در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، مازندران و گلستان، شمال و غرب خراسان شمالی و ارتفاعات استان‌های تهران، البرز و سمنان ادامه خواهد داشت.

این شرایط جوی می‌تواند موجب اختلال در تردد‌های شهری و بین شهری، لغزندگی جاده‌ها و کندی حرکت خودروها به‌ویژه در گردنه‌های کوهستانی به دلیل بارش برف و یخ زدگی شود، همچنین احتمال بالا آمدن آب رودخانه‌ها، آب گرفتگی معابر، مه گرفتگی و کاهش دید افقی در مناطق سردسیر و کوهستانی وجود دارد.



پاییز در دریاچه کیو خرم‌آباد؛ جلوه رنگارنگ طبیعت لرستان

دریاچه کیو خرم‌آباد، از جاذبه‌های طبیعی و گردشگری لرستان، در فصل پاییز با انعکاس رنگ‌های زرد، نارنجی و سرخ درختان بر سطح آب، چشم‌اندازی تماشایی از طبیعت پاییزی این شهر خلق کرده است.

عکس: رضا رمضانی / خبرگزاری صداوسیما

سبک زندگی

در این فصل چه میوه‌هایی بخوریم و از کدام‌ها پرهیز کنیم؟

توصیه‌های پاییزی طب سنتی



با تغییر فصل و سرد شدن هوا، توجه به تغذیه و انتخاب مواد غذایی مناسب اهمیت پیدا می‌کند. انار، خرمالو، شلغم و به از خوراکی‌های شاخص پاییز هستند که می‌توانند بخشی از یک رژیم غذایی متنوع و سالم باشند.

محمد ستایش، متخصص طب سنتی ایرانی با اشاره به تغییرات اقلیمی در فصل پاییز اظهار کرد: با فرا رسیدن فصل پاییز سال، طول روز کوتاه‌تر و میزان گرما کمتر می‌شود و این تغییرات علاوه بر طبیعت، بر بدن انسان نیز تاثیر می‌گذارد. همان‌طور که با تغییر فصل، پوشش خود را متناسب با شرایط آب و هوایی تغییر می دهیم، لازم است در تغذیه و سایر فعالیت های روزمره نیز تناسب با فصل را رعایت کنیم.

وی افزود: از دیدگاه طب ایرانی، پاییز فصلی با مزاج سرد و خشک است و در مناطقی مانند کرمان که میزان بارندگی کمتر است، خشکی هوا نیز استمرار بیشتری دارد. افرادی که دارای مزاج سرد و خشک هستند، در صورت بی‌توجهی به مراقبت‌های لازم، ممکن است بیشتر در معرض برخی مشکلات و بیماری های گوارشی، مفصلی و حتی افت های روحی و خلقی قرار بگیرند.

مصرف میوه‌های متناسب با فصل و اقلیم

وی با تاکید بر اهمیت مصرف مواد غذایی متناسب با هر فصل گفت: امروزه به دلیل پیشرفت امکانات نگهداری، حمل و نقل و دسترسی آسان، بسیاری از مواد غذایی و میوه‌ها در تمام فصول سال در دسترس هستند؛ به عنوان مثال، هندوانه در زمستان و مرکبات در تابستان نیز عرضه می‌شوند، اما توصیه این است که افراد تا حد امکان از میوه‌های متناسب با فصل و اقلیم محل زندگی خود استفاده کنند؛ زیرا این مواد غذایی تناسب بیشتری با شرایط مزاجی افراد دارند.

ستایش با اشاره به اینکه میوه‌ها تنها یک ماده غذایی محسوب نمی‌شوند، افزود: مصرف میوه نیز بخشی از تدابیر حفظ سلامت است و از آنجا که افراد از نظر شرایط جسمی و مزاجی با یکدیگر تفاوت دارند، نمی‌توان یک میوه را برای همه افراد، در هر شرایطی و به هر میزان مناسب دانست.

وی خاطرنشان کرد: وجود بیماری های زمینه ای مانند دیابت، محدودیت های جدی تری در مصرف برخی میوه‌ها، به ویژه میوه‌های آبدار، شیرین و خشک، ایجاد می کند و لازم است این افراد در انتخاب و میزان مصرف میوه ها دقت بیشتری داشته باشند.

انار؛ میوه‌ای با خواص متنوع و مزاج‌های متفاوت

محمد ستایش با اشاره به خواص انار به عنوان یکی از میوه‌های شاخص فصل پاییز بیان کرد: از دیدگاه طب ایرانی، انار می‌تواند به تقویت معده و کبد کمک کند، یک خون‌ساز خوب محسوب می‌شود، در رفع یبوست موثر است و برای پوست نیز مفید است. همچنین این میوه حاوی آنتی اکسیدان‌ها و پلی فنول‌هاست که از خواص پیشگیرانه برخوردارند.

وی با تاکید بر تفاوت مزاجی انواع انار افزود: انار ترش، ملس و شیرین از نظر مزاج و موارد مصرف با یکدیگر تفاوت دارند. افرادی که معده یا مزاج سرد و خشک دارند، نباید از انار ترش استفاده کنند. همچنین افراد مبتلا به دیابت باید در مصرف انار شیرین به دلیل قند بالا تر آن احتیاط کنند.

این متخصص طب سنتی ایرانی توصیه کرد: انار بهتر است یک تا دو ساعت پس از غذا و به صورت کامل، همراه با دانه‌های آن مصرف شود تا فیبر و خواص کامل این میوه به بدن برسد.

وی درباره مصرف پره‌ها و لایه های سفید داخل انار نیز گفت: پره های نازک روی دانه‌های انار از مصلحات این میوه محسوب می‌شوند. افرادی که رفلاکس یا ضعف در هضم دارند، می‌توانند این پره‌های نازک و کمی ترش مزه را همراه انار مصرف کنند؛ زیرا از دیدگاه طب ایرانی به تقویت بافت معده کمک می‌کنند. به طور کلی، مصرف روزانه یک عدد انار در فصل پاییز برای افراد سالم منعی ندارد.

مصرف افراطی میوه های شیرین با احتمال تشدید اختلالات متابولیک

ستایش درباره تاثیر مصرف میوه‌های شیرین مانند پرتقال شیرین و انار شیرین بر فشار خون بالا اظهار کرد: اختلالات متابولیک مانند کبد چرب، بیماری‌های قلبی و عروقی، فشار خون و چربی خون معمولا با پدیده‌ای به نام مقاومت به انسولین ارتباط دارند که مصرف مکرر و مستمر قندها می‌تواند در ایجاد آن نقش داشته باشد. وی افزود: قند موجود در میوه از انواع قندهای سریع و در دسترس بدن است؛ بنابراین مصرف افراطی میوه‌های شیرین می‌تواند موجب افزایش قند خون شود و به دنبال آن، در افراد مستعد، فشار خون را نیز تشدید کند.

خرمالو باید کاملا رسیده مصرف شود

ستایش درباره مصرف خرمالو در فصل پاییز بیان کرد: خرمالو حتما باید کاملا رسیده مصرف شود؛ زیرا خرمالوی نارس و گس به دلیل داشتن مقدار بالای تانن، خاصیت قابض دارد و می‌تواند موجب یبوست شود. همچنین افراد مبتلا به دیابت به دلیل شیرینی زیاد این میوه باید در مصرف آن محدودیت داشته باشند. با این حال، خرمالوی کاملا رسیده برای افراد سالم میوه‌ای خوش طعم است و به تقویت معده کمک می‌کند.

وی با اشاره به خواص مرکبات گفت: مرکبات از منابع غنی ویتامین C هستند و این ویتامین در پیشگیری از سرماخوردگی نقش دارد. با این حال، مصرف بیش از حد لیموترش یا لیموشیرین ممکن است برای افرادی که دچار رفلاکس معده و برگشت اسید هستند، مناسب نباشد. وی توصیه کرد: میوه بهتر است با معده خالی مصرف نشود و افراد آن را یک تا دو ساعت پس از صرف غذا میل کنند.

شلغم؛ خوراکی پاییزی برای کمک به سلامت دستگاه تنفسی

این متخصص طب سنتی ایرانی با اشاره به جایگاه شلغم در تغذیه فصل سرد اظهار کرد: یکی از استادان طب سنتی توصیه می‌کرد تا زمانی که شلغم در بازار وجود دارد، افراد دست کم شب‌ها یک عدد شلغم مصرف کنند.

وی افزود: از دیدگاه طب ایرانی، شلغم دارای طبع گرم و تراست و برای سرماخوردگی مفید دانسته می شود. این خوراکی به نرم شدن مجاری تنفسی و سینه کمک می‌کند، در دفع فضولات دستگاه گوارش موثر است و می‌تواند تاب‌آوری بدن در برابر بیماری‌های پاییزی را افزایش دهد.

ستایش بهترین روش پخت شلغم را بخارپز کردن دانست و گفت: همچنین ترکیب آب شلغم با مقدار مساوی شکر و تهیه شربت شلغم به جز برای بیماران دیابتی یا در معرض دیابت، از روش‌های مورد توصیه در طب ایرانی برای کمک به کاهش علائم سرماخوردگی است.

«به» پخته و «به دانه»؛ توصیه‌هایی برای گلو درد و سرفه‌های خشک

ستایش با اشاره به خواص میوه «به» گفت: این میوه حاوی پکتین، فیبر و ترکیبات فنولی فراوان است. به دلیل بافت متراکم، مصرف خام آن توصیه نمی‌شود، اما استفاده از آن به صورت پخته، در خورش، مربا یا دمنوش بسیار مناسب است. بوییدن این میوه نیز برای تقویت قلب و مغز مفید دانسته می‌شود.

این متخصص طب سنتی ایرانی در پایان درباره نحوه استفاده از «به دانه» نیز خاطرنشان کرد: دانه به یا به دانه را نباید جوید یا خورد، اما می‌توان آن را در آب جوش قرار داد و از موسیلاژ یا لعاب حاصل از آن استفاده کرد.

این لعاب یک رطوبت بخش مناسب برای گلو و سرفه‌های خشک پاییزی محسوب می‌شود.

#تجربه_کردم

کمری که زیر بار «نارفیقی» بشکنه، با هورا و هلهله صاف نمی‌شه.
اگه می‌خوای ترمیم شه، زیر شونه‌های «بی‌کسی» صاحبش رو بگیر رفیق!...
و الا تا چشم ببندی و بازکنی، طرف، «نیست» شده و رفته.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

ذهنی که دست از نگرانی برنمی‌دارد

۶ نشانه کمتر شناخته‌شده اضطراب

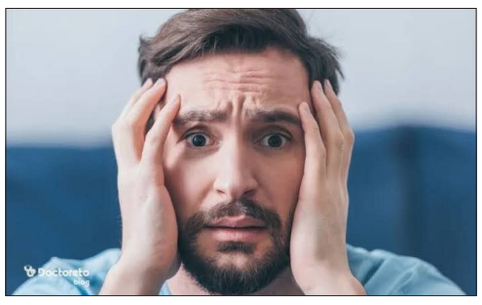
اضطراب واکنش طبیعی بدن به استرس است؛ اما وقتی نگرانی دائمی، بیش از حد و غیرقابل کنترل شود، نشانه اختلالی به نام «اختلال اضطراب فراگیر» (GAD) است. مبتلایان معمولا نگرانی افراطی درباره کار، سلامت، امور مالی و خانواده دارند که دست‌کم ۶ ماه ادامه دارد؛ انجام کارهای روزمره را دشوار می‌کند و مهار آن از توان فرد خارج است.

محدثه حراتی، روانشناس با بیان اینکه مرز دقیق بین نگرانی های عادی روزمره و «اختلال اضطراب فراگیر» کجاست، گفت: نگرانی روزمره واکنش به یک مسئله مشخص است که با حل شدن آن فروکش می کند، اما در اضطراب فراگیر شدت نگرانی بیشتر از اثر واقعی رویداد است و بدون محرک مشخص ادامه دارد و فرد در حالت انتظار وقوع فاجعه به سر می‌برد.

وی ادامه داد: در نگرانی عادی فرد می‌تواند فکر نگران‌کننده را موقتا کنار بگذارد و به‌کارش ادامه دهد، اما در اضطراب فراگیر نگرانی مهار نمی‌شود و ذهن مدام به‌صورت زنجیروار از یک موضوع به موضوع دیگر می‌پرد. نگرانی عادی گذراست و ساعت‌ها یا چند روز طول می‌کشد، اما در اضطراب فراگیر حضور اضطراب دست‌کم ۶ ماه است.

این روانشناس تاکید کرد: نگرانی عادی علامت بدنی پایداری ایجاد نمی‌کند، اما بزرگسالان مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر ممکن است دچار تنش و گرفتگی عضلانی، زود خسته شدن، بی‌قراری یا گوش‌به‌زنگی، تحریک‌پذیری و زودرنجی شوند.

۶ نقاب خاموش اضطراب فراگیر



به گفته حراتی، نشانه های خاموش و پنهان اختلال اضطراب فراگیر که معمولا نادیده گرفته می‌شوند، در قالب ویژگی‌های شخصیتی، عادت‌های رفتاری و شکایات جسمی مبهم بروز می‌کند.

وی اظهار کرد: نخست، «نقاب های جسمی»؛ بسیاری از این افراد سال ها به متخصصان داخلی، گوارش یا مغز و اعصاب مراجعه می کنند، مثلا در خواب یا بیداری دندان‌های خود را بهم فشار می‌دهند که به درد فک می انجامد یا به سردردهای تنشی، علائم گوارشی مزمن مانند نفخ، دل پیچه و روده تحریک پذیر و خستگی سنگین پس از بیدار شدن دچار می‌شوند. دوم، حواس پرتی و فراموشی های روزمره؛ مانند جاگذاشتن وسایل و فراموش کردن حرف‌هایی که گفته می‌شود.

این روانشناس افزود: سوم، اطمینان جویی و نشخوار مکالمات؛ یعنی پرسیدن مدام نظر دیگران برای تایید گرفتن، بازخوانی چندباره پیام ها پیش و پس از ارسال و مرور مکرر یک گفت‌وگوی عادی در ذهن، با این نگرانی که مبادا حرف نامناسبی زده باشد. چهارم، زودرنجی و خشم ناگهانی؛ ذهنی که تمام روز مشغول پیش بینی خطرهاست آستانه تحمل پایینی دارد و به همین دلیل یک تغییر کوچک در برنامه، سر و صدای محیط یا یک درخواست ساده ممکن است با واکنش تند و کلافگی شدید او روبه‌رو شود تا جایی که اطرافیان، او را بدخلق می‌خوانند.

حراتی تاکید کرد: پنجم، تعلل و فلج تصمیم‌گیری که ریشه در ترس از انتخاب نادرست و روبه‌رو شدن با پیامدهای منفی دارد. ششم، کمال‌گرایی افراطی؛ چنین فردی برای جزئی‌ترین کارها فهرست طولانی می نویسد، همیشه زودتر از موعد آماده است و برای هر سناریویی از پیش نقشه می‌کشد.

ژنتیک، سیستم هشدار حساسی که تربیت آن را تنظیم می‌کند

وی با اشاره به اینکه سهم ژنتیک و شیوه‌های تربیتی دوران کودکی در ابتلا به اضطراب فراگیر نقش دارد، بیان کرد: این موضوع به این معنا نیست که ژن مساوی با ابتلای حتمی است. ژنتیک به فرد یک سیستم هشدار بسیار حساس می دهد، اما این شیوه تربیتی، سبک دلبستگی و رویدادهای استرس زای دوران کودکی و نوجوانی هستند که به سیستم هشدار یاد می‌دهند به هر صدای کوچکی واکنش جنگ نشان دهد یا گریز.

حراتی با بیان اینکه در اضطراب فراگیر، ذهن دچار نشخوار فکری و نگرانی‌های غیرقابل کنترل می‌شود، تصریح کرد: در اضطراب فراگیر، مغز به خاطر عدم تحمل ابهام، مسائلی را که نمی داند و ابهام‌های احتمالی طبیعی زندگی را تهدید واقعی می‌بیند و برای اینکه حس کنترل داشته باشد به نشخوار فکری پناه می‌برد.

وی اضافه کرد: قشر پیش پیشانی مغز، که نقش «ترمز منطقی» را دارد، در این افراد ضعیف عمل می‌کند؛ به همین دلیل فرد نمی‌تواند این چرخه فکری را با اراده خود متوقف کند. پیام کلیدی آن این است که ژنتیک «حکم» نیست، بلکه حساسیتی است که محیط و تجربه‌های کودکی آن را تنظیم می‌کنند و نشخوار فکری نه راهی برای کنترل، بلکه خود مکانیزم تداوم اضطراب است.

یک مدل هوش مصنوعی جدید با قابلیت اجرای آفلاین روی لپ‌تاپ معرفی شد

شرکت Thinking Machines Lab از مدل هوش مصنوعی Mini ۲ Inkling با ۲۶.۴ میلیارد پارامتر رونمایی کرد که قابلیت اجرا به‌صورت آفلاین روی لپ‌تاپ‌های شخصی را دارد.

این مدل با استفاده از معماری جدید «ترنسفورمر حلقه‌ای» می‌تواند لایه‌های میانی پردازش را سه بار اجرا کند و بدون افزایش تعداد پارامترها، توانایی بیشتری برای انجام محاسبات و استدلال چندمرحله‌ای داشته باشد.

وزن‌های این مدل حدود ۲۰ گیگابایت حجم دارند و نسخه متن‌باز آن در پلتفرم Hugging Face منتشر شده است. به گفته سازندگان، Mini ۲ Inkling در آزمون‌های برنامه‌نویسی و استفاده از ابزارها عملکرد قابل توجهی داشته و می‌تواند بدون اتصال به اینترنت، وظایفی مانند ساخت شبیه‌ساز و اجرای شخصیت‌های هوشمند در محیط‌های شبیه‌سازی‌شده را انجام دهد.

